

## جرایم وضعیتی کودکان و نوجوانان؛ سودمند یا زیان‌بار؟ (با نگاهی به نظام عدالت آمریکا و انگلستان)

### چکیده

جرم وضعیتی یا جرم خاص کودک و نوجوان رفتاری است که مطابق معیار متوسط جهانی انجام آن توسط بزرگسال قانونی است و مهم‌ترین مصادیق آن شامل مدرسه و منزل‌گزینی، نقض مقررات منع آمد و رفت، اصلاح‌ناپذیری و استعمال مشروب و دخانیات است لیکن گستره آن با شرایط سیاسی و اجتماعی جوامع تنیده‌است. این پژوهش به روش تطبیقی با بررسی نمونه‌هایی از دو رویکرد قدیمی رفاه و مداخله عدالت کیفری یعنی نظام‌های عدالت نوجوانان آمریکا و انگلستان و همچنین تحلیل ق.م.ا. ۹۲، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۹۹ و مقررات پراکنده رفاهی و رویه قضایی در ایران به ماهیت این کثرت‌رفتاری‌ها و الگوهای پاسخ‌دهی به آن‌ها پرداخته‌است. مطابق یافته‌های پژوهش، رویکرد رفاه‌محور با بهره‌مندی از دانش بین‌رشته‌ای، مشارکت اجتماعی و قابلیت تطبیق با وضعیت‌های متنوع در جرم‌زدایی، پیشگیری از تکرار این کثرت‌رفتاری‌ها، بزهکاری آتی، کاهش هزینه‌ها و حفظ انسجام خانواده مؤثر است. در حقوق ایران برخی از این وضعیت‌ها به موجب مقررات پراکنده و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مشمول رویکرد درمانی هستند و برخی نیز واجد وصف مجرمانه‌اند که الزام قانونی مواد ۳ و ۵ این قانون ناظر به اعمال رویکرد درمانی در کنار ظرفیت‌های ق.م.ا می‌تواند در شکل‌گیری و توسعه رویکرد درمانی مؤثر واقع شود. در این راستا بایسته‌است نهاد قضایی باتمسک به بخشنامه‌های رویه‌ساز در کنار آموزش دادرسان، زمینه اجرای ماده ۶ قانون فوق و آیین‌نامه اجرایی آن را فراهم آورد. این امر نافی تکلیف اصلاح ماده ۹۱ ق.م.ا. با لحاظ رویکردهای فقهی و حقوقی توسط قانون‌گذار نیست.

کلید واژگان: جرم وضعیتی، کودکان و نوجوانان، رویکرد رفاه‌محور، مداخله عدالت کیفری

پاسخ به کز رفتاری کودک و نوجوان به قدمت تاریخ زندگی بشر است. چنان که برخی از متون کهن مذهبی به عنوان منبع قاعده گذار حاوی ضمانت‌اجراهای شدید نسبت به آن‌ها هستند.<sup>۱</sup> در دوران کنونی نیز نظم اجتماعی زندگی صنعتی بی‌نیاز از پاسخ حمایت یا سزا محور به این کز رفتاری‌ها نیست که در ادبیات حقوقی و جرم‌شناختی غالباً به عنوان جرم وضعیتی شناخته می‌شوند؛ یعنی رفتار ذاتاً غیرمجرمانه‌ای که انجام آن توسط کودک یا نوجوان غیرقانونی محسوب می‌گردد. (Development services group, 2015, p. 3) که مضر بودن آن تنها بر اساس «وضعیت» سنی فرد است (Hazel, 2008: 43) و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

فرار از مدرسه<sup>۲</sup>: به معنای غیبت غیرمجاز از مدرسه بدون اطلاع والدین است و با «فویای مدرسه»، که عبارت است از امتناع از حضور در مدرسه به دلیل اضطراب، متفاوت است.

دوم، فرار از خانه<sup>۳</sup>: مطابق تعریف اداره فدرال پیشگیری از بزهکاری نوجوانان در آمریکا عبارت است از «ترک منزل بدون اجازه والدین یا سرپرست و حداقل یک شب را دور از آن گذراندن». (Snyder; Sygmond, 2006, p. 42) این پدیده به سه دسته تقسیم می‌شود. فرار موقعیتی؛ به عنوان رایج‌ترین نوع که طی آن نوجوان پس از چند شب به خانه بازمی‌گردد. فرار طولانی‌مدت؛ ترک طولانی‌مدت منزل برای فرار از مشکلات جدی خانوادگی (مانند بدرفتاری یا بی‌توجهی). رانده‌شدگان؛ نوجوانان اخراج شده از منزل (Beharry, 2012, p. 155).

سوم، سرکشی<sup>۴</sup>: یا «اصلاح‌ناپذیری» و «غیرقابل کنترل بودن»، به طور سنتی عبارت است از رفتارهای «بی‌ضابطه». چنانچه نافرمانی به اندازه‌ای شدید یا مکرر باشد که منجر به استمداد حقوقی شود، «اصلاح‌ناپذیری» تلقی می‌شود. (DSG, 2015, p. 5) چهارم، نقض مقررات منع رفت‌وآمد<sup>۵</sup>: این مقررات، نوجوانان (عموماً زیر ۱۷ یا ۱۸ سال) را از حضور در مکان‌های عمومی در ساعات مشخصی از شب منع می‌کند. هدف اصلی نیز، کنترل اجتماعی و کاهش فرصت‌های بزهکاری یا بزه‌دیدگی نوجوانان در ساعاتی است که نظارت بزرگسالان بر آنها کمتر است. (Rynolds et al., 2000, p. 88)

پنجم، نگهداری یا مصرف الکل و دخانیات زیر سن قانونی<sup>۶</sup>: در میان نوجوانان پدیده‌ای رایج است و در برخی کشورها مانند ایران به طور کلی جرم‌انگاری شده، در حالی که به صورت جهانی معمولاً برای افراد زیر سن قانونی، یک جرم وضعیتی تلقی می‌شود.

<sup>۱</sup> در باب «صد در بُندَهش» از کتاب «صد در نثر و صد در بندَهش از متون دینی ایران باستان، چنین آمده: «(۷) و چون پسر سه بار جواب پدر باز دهد و فرمان پدر نبرد مرگ‌رزان بُود و کشتن واجب بود بدین.» (ص ۱۰۲) در بخش تنبیه از کتاب تورات، کیفر فرزند سرکش نیز سگسار در بار سوم توسط مشایخ شهر دانسته شده است (۲۱-۱۸؛ ۲۱). از لحاظ فقهی نیز تنبیه طفل خاطی مجاز است. چنانکه صاحب جواهر به اجماع فقیهان شیعه بر جواز مجازات (زدن) فرزند توسط پدر و جد پدری در مواردی که تربیت فرزند مقتضی آن باشد، اشاره می‌کند (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۶۶۹) و حتی برخی مجازات شلاق تا ده ضربه را نیز تجویز نموده‌اند. (طباطبایی، ج ۱۳، ص ۵۴۰؛ نجفی، همان، ص ۴۴۴)

<sup>۲</sup> Truancy/ skipping school

<sup>۳</sup> Running away from home

<sup>۴</sup> Incurability

<sup>۵</sup> Curfew Violation

<sup>۶</sup> Underage Drinking

«جرایم وضعیتی» کودکان و نوجوانان، نقطه تلافی دو رویکرد در عدالت نوجوانان است: مداخله عدالت کیفری<sup>۱</sup> و حمایت رفاه محور<sup>۲</sup> که مبنای دسته بندی های متنوعی<sup>۳</sup> از الگوهای پاسخ به بزهکاری و جرائم وضعیتی نابالغان شده اند. به عقیده برخی تقابل اصلی میان دو نظام رفاه و مداخله عدالت کیفری است و هر رویکرد دیگری را می توان به دگرگونی های درونی این دو نوع نسبت داد. (Hazel, 2008, p. 6) رویکرد رفاهی بر پدربسالاری، حمایت و درمان و رویکرد مداخله عدالت کیفری بر رسیدگی قضایی و پاسخ کیفری تأکید می کند که به نوعی به تقابل تاریخی بین دو مکتب کلاسیک و تحقیقی بازگشت دارد؛ در حالی که مکتب کلاسیک بر تفسیر مرتکب و تناسب مجازات متمرکز است، اثبات گرایی با تمرکز بر عوامل دخیل در ارتکاب جرم، حامی رویکرد درمان محور است. (Hazel, 2008, p. 7) البته این گونه نیست که حقوق یک کشور دقیقاً با یکی از این دو مدل آرمانی مطابقت داشته و دارای تمام ویژگی های آن باشد. چنان که بررسی نظام های عدالت کودکان و نوجوان انگلستان و آمریکا بیانگر غلبه یکی، متأثر از دگرگونی های اجتماعی و سیاست های جهانی یا محلی در برهه ای خاص است. به دلیل همین انعطاف و تحولات گسترده این دو نظام قدیمی به عنوان الگوی بسیاری از کشورها، شایسته بررسی بوده اند. در ایران نیز به نوعی حاکمیت دو رویکرد قابل تشخیص است به گونه ای که این پژوهش درصدد کاوش چگونگی برخورد حقوق ایران با این کژرفتاری ها و توجه قانون گذار و دستگاه قضایی به رویکردهای درمان محور است که در نظام های مورد مطالعه نیز با وجود برخی تقابل های اجتماعی و سیاسی با کژرفتاری<sup>۴</sup> (جرم وضعیتی) نوجوانان اتخاذ گردیده است. در این خصوص، ۸ مورد از آرای قضایی از طریق سامانه آرای قضایی مشاهده و در کنار قوانین و مقررات مختلف به روش توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفتند که وجه تمایز این پژوهش با مطالعات پیشین است.<sup>۵</sup> بنابراین، طی دو بحث کلی رویکرد رفاه محور و رویکرد مداخله کیفری، به پاسخ های نظام های عدالت نوجوانان به کژرفتاری این قشر و سودمند یا زیان بار بودن جرم انگاری آن (جرم وضعیتی) پرداخته می شود.

<sup>1</sup> Justice-based intervention (criminal intervention)

<sup>2</sup> Welfare-based intervention

<sup>۳</sup> . برخی از تفکیک ها: مداخله عدالت کیفری و رفاه (Duenkel (2008); Forde (2021)

رفاه، مداخله عدالت کیفری، حقوق کودک و حمایت از کودک (Muncie (2001;2005)

کنترل و رفاه (Green, 2008)

<sup>۴</sup> مناسب ترین برابر از فرهنگ های فارسی مانند دهخدا و معین برای واژه misbehavior که بدون بار معنایی جرم، در انگلستان و آمریکا معادل دیگر جرم وضعیتی است.

<sup>۵</sup> . پژوهش های پیش یا صرفاً جرائم حدی یا تعزیری را مطالعه نموده و تمرکز جامع بر تمام وضعیت های کودک و نوجوان اعم از حد و تعزیر و توجه به قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و سایر مقررات و رویه قضایی نداشته اند که برخی از آن ها در قسمت منابع قابل مشاهده اند.

## ۱. رویکرد رفاه‌محور

اگرچه باور بر این است که با تأسیس دادگاه‌های اطفال در پایان سده نوزدهم، رویکرد رفاهی مبتنی بر دکترین پدروطن یا کشور (دولت به عنوان قیم)<sup>۱</sup> مبنای فلسفی نظام عدالتی بود که منافع کودک را بر مجازات اولویت می‌داد. (Scott; Grisso, 1997, p.799) تاریخ-نگاری حقوقی بارقه‌های آن را در اندیشه‌های مصلحان اجتماعی ناجی کودکان مخصوصاً در امریکا و انگلستان می‌داند که نقش انکارنشده‌ی در ایجاد نظام عدالت خاص آنان داشت. در بریتانیا، نجات کودک از تأثیرات منفی باعث ایجاد ایجاد مؤسسه‌های اصلاحی توسط نیکوکاران (انجمن سلطنتی بشردوستانه رایبر و مصلحانی مانند مری کارپنتر) شد. (Hazel, 2008, p.23) در امریکا نیز مصلحان اجتماعی مسیحی مانند «انجمن دوستان» اولین پناهگاه‌ها و مدارس اصلاحی را تأسیس نمودند که به سرعت در سراسر کشور گسترش یافت و منجر به تأسیس دادگاه کودکان و نوجوانان گردید که با نگهداری و به نوعی محبوس نمودن مجرم وضعیتی (مصطلح در حقوق امریکا) تضمین پرورش وی و نیز حمایت از جامعه را دنبال می‌کردند. (Garlock, 1979, p. 350)

قانون فدرال بزهکاری کودکان ۱۹۱۲ امریکا با اشاره به هدف رفاهی وضع قانون، بر نگهداری این مرتکبان تمرکز نمود و دفتر امور کودکان را مأمور نمود که «در مورد همه مسائل مربوط به رفاه و زندگی کودکان...» تحقیق نماید. همچنین، به موجب قانون کودکان ۱۹۰۸ انگلستان، نخستین دادگاه نوجوانان بر رفاه آنان تمرکز نمود. قانون مذکور، حبس کودکان زیر ۱۴ سال را لغو و پلیس را ملزم به تأسیس مراکز نگهداری کرد. (Ellis & Kyo, 2018, p.۶۵) در حقوق ایران، اگر چه اصطلاح جرم وضعیتی هیچ‌گاه مورد شناسایی واقع نشد لیکن ریشه‌های رویکرد رفاه‌محور به وضعیت کودک و نوجوان به اواخر دوران ناصری که پیوند ترقی مملکت با تربیت اطفال از طریق گفتمان «کودکی نامطلوب» شکل گرفت قابل استناد است. (خورسندنژاد و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۰۷) پس از آن، مختارالسلطنه، یکی از رؤسای نظمیة زمان مظفرالدین شاه، با نگارش کتابچه حفظ‌الصحة به لزوم وضع تدابیری ناظر به تربیت اطفال پرداخت (آل داوود، ۱۴۰۰، ص ۲۶۰) که نقل‌شده‌ای از آن بی‌مناسبت نیست... اطفالی که از بدو طفولیت به بدگویی و فحاشی عادی در کوچه و بازار نسبت به یکدیگر و بزرگتر خود برخلاف ادب رفتار می‌کنند و بعضی کلمات شیعه بر زبان می‌آورند... باید به توسط بیان‌نامه‌های ناصحانه مشفقانه ممنوع شوند... اولیای آن‌ها مسئول گردند... (آل داوود، ۱۴۰۰، ص ۲۷۱)

از دوران پهلوی با تمرکز بر تربیت نهادمند کودک، به ویژه از دهه ۲۰ نهادهای گوناگونی توسط دولت و به منظور حمایت و رفاه وی به شکل دارالایتام، ندامتگاه یا محبس، شکل گرفت. (خورسندنژاد و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۰۱) که متأثر از مطالعه نهادهای دارالتادیب

---

<sup>۱</sup> دکترین پدروطن یا میهن / کشور (fatherland/ parens patria) با منشأ روم باستان، ریشه در کامن‌لای قرون وسطی در انگلستان دارد که به موجب آن دادگاه‌های انصاف به دنبال حفظ ساختار فئودالیسم در حوزه مالکیت و خانواده (قیمومت) بودند. در قرن ۱۵ پادشاه به عنوان رئیس این دادگاه‌ها برای رسیدگی به دادخواست‌های زنان و کودکان بی‌سرپرست و نیازمند، دارای امتیاز «پدر میهن» بود و دادگاه‌ها به عنوان «قائم مقام والد/سرپرست» (Loco parens) جهت ارائه خدمات به این افراد اقدام می‌کردند. اگرچه در امریکا مبنای ضمنی تأسیس نخستین دادگاه کودک و نوجوان در شیکاگو این اصل دانسته شده است لیکن از پرونده مشهور کروز به بعد، آشکارا دادگاه بر مبنای آن (به نمایندگی دولت) امتیاز اقدام در راستای بهترین منافع (مصلح عالیه) کودک و نوجوان را داشت. (Fox, 1970, pp. 1192-1194)

بورستال<sup>۱</sup> در کشورهایی مانند انگلستان بود. (خورسندنژاد و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۱۲) و از دهه ۳۰ به موجب ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، نوانخانه‌ها، پرورشگاه‌ها، بنگاه حمایت مادران (بند ۶) و سازمان‌های اردوی کار (بند ۵) در صدد حمایت و نگهداری از کودکان و نوجوانان متکدی، ولگرد، معتاد و بی و بدسرپرست شدند که این رویکرد با توقیفی در دهه‌های نخست پس از انقلاب، از اواخر دهه ۷۰ با تصویب آیین‌نامه و دستورالعمل مراکز کودکان خیابانی (در راستای حمایت از کودکان کار، متکدی و معتادان به مواد مخدر) به ترتیب در سال‌های ۷۸ و ۸۴، دستورالعمل‌های سازمان بهزیستی ناظر به مداخله در بحران، خانه سلامت (حمایت از زنان و دختران آسیب‌دیده از جمله متواری از منزل) و مراکز بازپروری زنان و دختران (آسیب‌دیده دارای سوابق روابط جنسی نامشروع) مجدداً مبنای حمایت رفاه-محور از کودک و نوجوان شد که در سال ۱۳۹۹ به موجب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (از این پس قانون حمایت) توأم با فرار مکرر از مدرسه و مواردی که موضوع بحث حاضر نیست، طی ماده ۳ به عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز مشمول مداخله و حمایت قانونی قرار گرفتند. امروزه، مطابق این رویکرد، کودک و نوجوان به دلیل ناپختگی، عامل منطقی یا خودمختار تلقی نمی‌شود (Alder; Wundersitz, 1995, p. 3) و رفتار وی به‌عنوان «پیش‌درآمد بزهکاری»<sup>۲</sup> نشانه‌ای از مشکلات عمیق‌تر فردی، خانوادگی و اجتماعی است که نیازمند مداخلات حمایتی است. (Kelley et al, 1997, p.6-7) به ویژه که با داشتن خانواده‌های گسسته، در دوران کودکی آسیب‌هایی متحمل شده‌اند و نیازهای بهداشت روانی یا تحصیلی آنان برآورده نشده است (DSG: 2015:2) به همین سبب، تدابیر رفاه-محور جایگزین جرم‌انگاری و مجازات کژرفتارهای آن‌ها شده است که به شرح زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱. **جرم زدایی:** از جرم وضعیتی به دلیل انگاره‌ی قدیمی بی‌گناهی نابالغ که درک افعال ناشایست وی را مشکل می‌نماید و تاریخ طولانی تنبیه کودک خاطی مشکل است. به همین دلیل، کنگره دوم پیشگیری از جرم سازمان ملل مقرر نمود حتی بنا به دلایل حمایتی، جرم‌انگاری بی‌نظمی‌های خفیف و رفتار ناسازگار کودکان که در صورت ارتکاب از سوی بزرگسالان جرم تلقی نمی‌شود، باید ممنوع باشد و کنگره هشتم نیز طی دستورالعمل ریاض، در شق الف بند ۵ ماده ۱ با تمرکز بر اهمیت و ضرورت تدابیر و سیاست‌های پیشگیری از جرم، بر لزوم ممنوعیت جرم‌انگاری و مجازات این نوع رفتارها تأکید نمود. (طه، ۱۳۹۰: ص ۱۷۹ و ۱۸۰) اما وجه تسمیه جرم وضعیتی به قانون فدرال عدالت و پیشگیری از بزهکاری نابالغان امریکا مصوب ۱۹۷۴ بازگشت دارد که کژرفتاری کودک و نوجوان را به عنوان جرم وضعیتی و به منظور تفکیک از بزهکاری و در نتیجه متمایز نمودن واکنش‌ها تلقی و فرستادن آنان را به زندان و مراکز اصلاحی ممنوع و ایالت‌ها را به جرم‌زدایی و تعیین پاسخ‌های اجتماعی و درمانی تشویق نمود. (Magee, 2024, p.368) اگرچه این قانون به دلایلی از قبیل استعمال رایج و حفظ این اصطلاح در قوانین و رویه قضایی برخی ایالت‌ها، آن را محفوظ نگه داشته است. امروزه جرم‌زدایی از آن چند گونه است. نخست، عنوان مذکور حذف و دسته‌بندی‌های جدیدی جایگزین شده است. به عنوان مثال، به منظور حذف انگ بزهکاری، برخی از قانونگذاران ایالتی، مجرمان وضعیتی را به عنوان گروه «نیازمند حمایت» تلقی نموده که شامل مصادیقی مانند اشخاص نیازمند حمایت<sup>۳</sup>، نابالغان نیازمند حمایت<sup>۴</sup> و کودکان نیازمند حمایت<sup>۵</sup> می‌شوند.

(Kendall, 2007(a), p.2; Hartman, 1987, p.184)

<sup>1</sup> Borstal Institution

<sup>2</sup> Pre-delinquency

<sup>3</sup> Persons in need of support

<sup>4</sup> Children in need of support

<sup>5</sup> Minors in need of support

برخی از ایالت‌ها صرفاً عنوان «کودک یا خانواده نیازمند حمایت» را در قانون گنجانده‌اند زیرا رفتار نوجوان با محیط و وضعیت خانوادگی او کاملاً مرتبط است. فلوریدا عنوان «کودک نیازمند خدمات و آرکانزاس «خانواده نیازمند خدمات» را پیش‌بینی نموده‌است. (Kendall, 2007, p.5) برخی ایالت‌ها صرفاً از برخی مصادیق جرم وضعیتی جرم‌زدایی نموده و مرتکب ممکن است به عنوان کودک مشمول حمایت تلقی شده و مسئولیت اصلی پاسخگویی به نهادهای حمایت از کودکان واگذار شده‌است. (Schneider, 1989, p.168) به عنوان نمونه، طبق قانون مینه‌سوتا «مجرم خرد نوجوان» انجوانی است که «مرتکب رفتاری شده که بر اساس قانون محلی برای فرد زیر ۱۸ سال ممنوع است»<sup>۱</sup> و «کودک نیازمند حمایت یا خدمات» کودکی است که رها شده، مورد بی‌توجهی قرار گرفته یا از منزل یا مدرسه گریخته‌است.<sup>۲</sup> (Kendall, 2007(a), p.7)

در بریتانیا اصطلاح جرم وضعیتی هیچ‌گاه در ادبیات حقوقی وجود نداشته است اما تقریباً تمامی مصادیق آن جرم بوده تا این که در سال ۱۹۹۸ قانون جرم و بی‌نظمی به عنوان سنگ‌بنای اصلاحات گسترده در نظام قضایی نوجوانان، جز در موارد اعمال ضمانت‌اجرای مدنی یا کیفری نسبت به والدین، با جرم‌زدایی، آن‌ها را مشمول مداخلات فردی و اجتماعی نمود لیکن به واسطه انتقادات مکرر ناشی از عدم برآورده نمودن استانداردهای کنوانسیون‌های بین‌المللی، پس از سال ۲۰۰۰ به تدریج سیاست‌های متعددی به منظور مداخله رفاهی مقرر شد (Muncie 2005, p.38) که در جایگاه خود بررسی خواهد شد.

در ایران اگرچه به موجب قانون شهرداری‌ها و قانون بهداشتی و بهزیستی، به تأسی از سایر کشورها نگهداری در مؤسسات به عنوان اقدام حمایتی در خصوص کودک و نوجوان متکدی، خیابانی، روسپی و امثال آن مقرر شد، اواخر دهه هفتاد خورشیدی که تغییرات بنادین در خصوص جرم‌زدایی از این وضعیت‌ها در بسیاری از کشورها شیوع پیدا نمود، همین رویکرد در کنار مداخله فوری ادامه پیدا نمود که به دلایلی از جمله واجد عنوان حد بودن برخی از این موارد و به طور کلی ناشناخته‌بودن جرم وضعیتی، هیچ‌گونه جرم‌زدایی از سایر عناوین یا ارائه حمایت در خصوص وضعیت‌هایی مانند فرار از منزل و مدرسه تا سال ۹۹ مقرر نشد. آنچه طی ق.م.ا ۱۳۹۲ به عنوان اصلاح پاسخ‌ها و توسعه رویکرد ارفاقی و درمانی مورد توجه قرار گرفت نوعی کیفرزدایی یا حبس‌زدایی است که برخی از آن‌ها به نوعی بازگشت به رویکرد قانون ۱۳۰۴ و اصلاحی ۱۳۵۲ است در حالی که اصل نخستین، حذف انگ جرم از وضعیت‌های مربوط به کودک و نوجوان است که وی را از مواجهه با جلوه‌های سرکوب مانند نهادهای پلیس و دادگاه کیفری مصون نماید که حسب مورد در چارچوب مداخلات رفاهی یا سزاگرایانه مورد بحث قرار خواهند گرفت.

## ۱-۲. مداخلات فرد و اجتماع محور

مداخله رفاه‌محور عبارت از خارج نمودن نابالغان از نظام قضایی (Bynum&Thompson, 1996, p.430) با این توجیه که مداخله نظام قضایی بیشتر از سودمند بودن زیان‌بار است. زیرا ناخواسته منجر به انگ‌زنی نسبت به رفتار نسبتاً جزئی قابل حل و فصل خارج از نظام

<sup>1</sup> Juvenile petty offender

<sup>2</sup> Minn. Stat. Ann. § 260B.007

<sup>3</sup> § 260C.007

قضایی می‌شود و تمرکز آن را از رسیدگی به اعمال جدی‌تر منحرف می‌نماید. (Shelton, 2007, p.7) مبنای این رویکرد در نظریه‌ی «دراماتیزه شدن شر» تانن‌باوم (۱۹۳۸) برچسب‌زنی منجر به «انحراف ثانویه» در اندیشه‌های لمرت (۱۹۵۱) و «نقش گروه‌های اجتماعی در ایجاد انحراف از طریق برچسب‌زنی» در نظریه‌ی بکر (۱۹۶۳) است. (Shelton, 2007, p.8) بنابراین، چنین مداخلاتی نسبت به کژرفتاری کودک و نوجوان، افزون‌بر قطع چرخه‌ی آن، مانع بزهکاری آتی می‌شود که به شرح زیر به آنها پرداخته می‌شود.

## ۱-۲-۱. مداخله زودرس فردمحور

مداخله زودرس با ماهیت روان‌شناختی-اجتماعی مبتنی بر وجود عوامل خطر است که عبارتند از، مجموعه شرایط فردی و اجتماعی که بروز و استمرار رفتارهای مجرمانه آینده را در کودکان و نوجوانان مساعد می‌کنند. (کاری‌یو؛ نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۰) محور این مداخله، توان‌بخشی است که مبتنی بر تفاوت رشدی نوجوانان از بزرگسالان و بیانگر عدم توسعه کامل توانایی شناختی و عاطفی، کنترل تکانه و قضاوت اخلاقی آنان است. (Steinberg, 2009, p.461) این رویکرد با ماهیت پیشگیری‌محوری شامل ابزارهایی مانند مهارت حل تعارض، کنترل هیجان و بهبود پویایی خانواده است و به همین دلیل بیشتر نظام‌های کنونی عدالت نوجوانان به علل ساختاری بزهکاری نوجوانان مانند فقدان آموزش، سوءمصرف مواد و اختلالات سلامت روان توجه نموده (Greenwood, 2008, p.187-190) و از این طریق بر ظرفیت تغییر و بهبود رفتار به واسطه انعطاف‌پذیری عصبی و روانی آنان تمرکز می‌کنند.

(Shelton, 2007, p.8) افزون‌بر آن، توان‌بخشی کاملاً فردمحور است و مداخلات متناسبی را در اولویت قرار می‌دهد که نیازهای روانشناختی، اجتماعی و آموزشی منحصر به فرد هر کودک را برطرف می‌کند. (Scott & Grisso, 1997, pp.819-820) مطالعه برخی از نمونه‌ها در نظام‌های عدالت رفاه محور و حقوق ایران، نقش این مداخله‌ها را بر کنترل یا کاهش این کژرفتاری‌ها مشخص خواهد نمود؛ تدابیر ذیل بخش ۱۴ قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ بریتانیا برای مدیریت کژرفتاری کودکان بیش از ۱۰ سال با عنوان قرار ایمنی<sup>۱</sup> ناظر به ارجاع کودک یا نوجوان پرخاشگر یا نافرمان، حسب مورد به خدمات سلامت جسم یا روان و رفتار آموزش و پرورش یا مداخله دفتر خدمات مراقبت اجتماعی کودکان از طریق ارائه خدمات مدیریت کژرفتاری به والدین است. همچنین در کنار مدرسه‌گریزی و ترک تحصیل، کژرفتاری‌هایی مانند زورگویی و آسیب به اموال مدرسه نیز از طریق رویه‌های انضباطی مدارس و مداخلات آموزش و پرورش مدیریت می‌شود. (Ellis & Kyo, 2018, pp.67-68) به موجب بخش ۸ قانون، در صورت عدم تأثیر، والدین به موجب قرار فرزندپروری که طی بازه زمانی ۱۲ ماهه صادر می‌شود ملزم به نظارت بر رفتارهای فرزند مانند حضور در منزل در زمان‌های مشخص، خودداری از معاشرت با افراد خاص و حضور در مدرسه بوده و خود نیز ملزم به شرکت در یک برنامه مشاوره یا راهنمایی به صورت هفتگی و به مدت سه ماه هستند. (Herlitz & Hough, 2016, p.17) با وجود انتقادات، قانون رفتار ضد اجتماعی ۲۰۰۳ نیز سیاست تنبیه والدین را نسبت به کژرفتاری فرزند ادامه داد و آنان نه تنها نسبت به غیبت مکرر فرزند از مدرسه، ملزم به شرکت در یک دوره آموزشی شبانه‌روزی (Hollingsworth, 2007, p.5) و پرداخت جریمه هستند بلکه نسبت به غالب کژرفتاری‌های آموزشی دانش‌آموز، می‌بایست به موجب «تفاهم‌نامه‌های فرزندپروری» با نهاد آموزشی مذکور با الزامات ناظر به اطمینان از حضور فرزند در مدرسه یا بهبود

<sup>1</sup> Safety order

رفتار او موافقت نمایند. در غیراین صورت نهادهای مذکور یا تیم‌های (پیگیری) تخلف نوجوانان، دادخواست صدور حکم سرپرستی را نزد دادگاه طرح می‌نمایند. (Herlitz & Hough, 2016, p 14)

بند (ز) ماده ۳ قانون حمایت نیز فرار از مدرسه و ترک تحصیل را مستوجب مداخله و حمایت قانونی دانسته و مداخله در خصوص فرار از مدرسه را مشروط به دو شرط مکرر بودن فرار و قراردادن کودک یا نوجوان در وضعیت بزه‌دیدگی یا آسیب قلمداد نموده‌است که به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت خاص آموزشی و عدم قطع ارتباط دانش‌آموز و مدرسه، طبیعتاً در وهله نخست طی مقررات انضباطی مدرسه قابل بررسی است. هر چند در خصوص ترک تحصیل نیز مناسب بود ابتدائاً مداخله مدرسه و آموزش و پرورش پیش‌بینی می‌شد. در چنین مواردی که مداخله کامل از صلاحیت مدرسه خارج است به موجب جزء ۴ ماده ۴۲ و مواد ۴۳ و ۴۴ آیین‌نامه اجرایی قانون، مدیرمدرسه ضمن مداخله مختصر برای کنترل یا رفع، از نهادهای مربوط موضوع سامانه (طرح) نماد استمداد می‌نماید که به موجب مصوبه شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی با عنوان سند ائتلاف ملی نظام مراقبت اجتماعی<sup>۱</sup> در سال ۹۴ تصویب شد که افزون بر پیشگیری همگانی و رشدمدار، مداخله در وضعیت‌های دانش‌آموزان را در نظر داشت و به تدریج در غالب مدارس کشور عملیاتی شد که نتایج عملکرد مؤثر آن بدین قرار است: ۱. تدارک سازوکار واکنش سریع و مداخله فوری و مؤثر در آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان ۲. ائتلافی بودن و تنوع مداخله با لحاظ تخصص نهادهای مرجع، به عنوان نمونه با مداخله در اموری مانند فرار از مدرسه یا ترک تحصیل با لحاظ علل ریشه‌ای مانند فقر اقتصادی، فرهنگی یا مشکلات جسمی و رفتاری، مداخلات مؤثری توسط بهزیستی، آموزش و پرورش یا سایر نهادها ارائه می‌گردد. البته برخی از نواقص آن نیز عبارتند از: عدم پوشش تمام آسیب‌های اجتماعی شناسایی شده که در چرخه‌ای دیگر منجر به سایر آسیب‌های اجتماعی می‌شود. به عنوان نمونه، عدم توجه به کاهش خشونت و قلدری در سطح مدرسه می‌تواند منجر به اختلال در عملکرد تحصیلی، ترک تحصیل و مدرسه‌گریزی گردد. (خضری، ۱۴۰۲، ص ۴-۶) بنابراین، بهتر بود مواردی مانند تخریب اموال مدرسه، زورگویی، ناسزاگویی و اهانت در مدرسه، به طور خاص در این قانون تصریح می‌شد تا کودک و نوجوان را ابتدائاً و بدون هیچ تفسیری مشمول مداخلات مراقبتی قرار دهد.

قانون حمایت همین رویکرد را در قبال سایر کژرفتاری‌های کودک و نوجوان در پیش گرفته است. نمونه مهم فرار از خانه است که بیان‌گر احساس عدم امنیت فرد در کانون خانواده است و مشروط به دو شرط فرار مکرر و در معرض بزه‌دیدگی و آسیب قرار گرفتن مشمول مداخله قرار گرفته است. این امر از لحاظ عدم توجه به شرایط پیرامون نخستین تجربه فرار که بسیار آسیب‌زاست قابل نقد است؛ زیرا گاهی اختلافات جدی والدین موجب ترس و نگرانی کودک یا نوجوان شده و منجر به آشوب روانی، سلب احساس امنیت و گریز از منزل می‌شود (سیفی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۸) این مسئله در خصوص دختران که از لحاظ جنسی و قضاوت‌های اجتماعی آسیب‌پذیرتر هستند آشکار است. به ویژه که قابلیت جنسی آنان را در معرض آسیب‌هایی از جمله روسپیگری قرار می‌دهد. (نجفی توانا، ۱۳۹۸، ص ۵۳) از سوی دیگر، گاهی شرایط منجر به فرار مانند آزار جنسی یا روانی به واسطه عرف‌ها، موقعیت خانوادگی و فردی به آسانی قابل کشف نیست و نیازمند مصاحبه تخصصی در محیط امن است که این امر حمایت از نوجوان را لازم می‌نماید. در این راستا، اصل ۶ اعلامیه حقوق بشر و بند ۲ ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک حمایت کامل خانواده از فرزند را مورد تأکید قرار داده و نقش نظارتی دولت‌ها را لازم می‌داند.

<sup>۱</sup> مجموعه نظام یافته از خدمات و برنامه‌ها، شامل غربالگری، آموزش، توانمندسازی و حمایت‌های روانی - اجتماعی، به منظور مراقبت دانش

آموزان در برابر رفتارهای پرخطر، آسیب‌های اجتماعی و جرائم از طریق مداخله بموقع و مؤثر

در حالی که در نظام عدالت نوجوانان انگلستان، ابتکارات و برنامه‌هایی از سال ۲۰۰۰ تا کنون به منظور شناسایی عوامل خطر و مداخله به منظور کاهش و رفع پیش‌بینی شده‌است که به شکل پلکانی از تدابیر حمایتی تا مقابله‌ای است. یکی از این ابتکار عمل‌ها که ناظر به پیشگیری و مدیریت کژرفتاری‌هایی مانند فرار از منزل، نقض مقررات آمد و شد، استعمال مواد مخدر و غیره است، برنامه‌های مشارکت نوجوانان<sup>۱</sup> است. ۲۰۰۳. (Herlitz & Hough, 2016, p.19) که از سال ۲۰۰۳ به موجب قانون رفتار ضداجتماعی تشکیل شد و به منظور دسترسی نوجوانان و خانواده‌های آنان به خدمات عمومی و مشارکت داوطلبانه آنان، بر دو گروه سنی ۸ تا ۱۳ و ۱۳ تا ۱۷ ساله تمرکز نموده‌است. (Home office, 2004, p14) همانند مداخلات مربوط به کژرفتاری‌های مربوط به آموزش<sup>۲</sup>، در مرحله بعد مداخلات اجباری قضایی از طریق صدور قرار فرزندپروری ناظر به والدین و در صورت لزوم جریمه آنها و قرار مقابله با رفتار ضداجتماعی<sup>۳</sup> ناظر به بازداشت کودک و نوجوان صادر می‌شود که از این حیث برخی این رویکرد را ترکیبی از رفاه و پاسخگویی دانسته‌اند. (Hollingsworth, 2007, p.24) از نظر منتقدان، رویکرد ریسک‌مدارانه و مداخله زودهنگام، فرایند منصفانه و عملکرد مبتنی بر شواهد را مختل نموده و باعث عدم تناسب در ارائه خدمات و میزان مداخله به افراد مختلف می‌گردد. (Ellis & Kyo, 2018, p.68) برخی نیز با انتقاد از چنین تدابیری، رفاه‌گرایی را نوعی آسیب به افراد و گره‌زدن زندگی آنان به فرایند قضایی از سنین پایین می‌دانند. (Cavadino & Dignan, 2006, p. 52) اما به باور برخی، این برنامه‌ها تأکید کمتری برانگ‌زنی داشته و در صدد پیشگیری از پیامدهای منفی تماس کودک و نوجوان با نظام عدالت کیفری است. (Ellis & Kyo, 2018, p.67)

کارنامه سیاست‌های رفاهی فوق نشان می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱-۲۰۱۲ بزهکاری نوجوانان از حدود ۱۹ هزار به حدود ۱۰ هزار فقره، احکام اخراج موقت از مدارس متوسطه از حدود ۳۵ هزار به تقریباً ۲۰ هزار مورد و اخراج دائم از ۸۵۰۰ به ۴۰۰۰ مورد<sup>۴</sup> و کژرفتاری از ۱۶۰۰ به حدود ۲۰۰ مورد رسید<sup>۵</sup> که به عقیده برخی، اگرچه تصویب قانون راجع به رفتار ضد اجتماعی، جرم و سیاست‌گذاری ۲۰۱۴<sup>۶</sup> همراه با کاهش ۶۰ میلیون یورویی هزینه این تدابیر و کاهش نیروی کار مربوط، به سمت سیاست‌های تنبیهی حرکت نمود، دستاورد فوق که حاصل توانبخشی و رویکرد ترمیمی مبتنی بر سیاست‌های رفاهی است، ممکن است مستندی برای تثبیت بیشتر تدابیر رفاهی شود. (Herlitz & Hough, 2016, p 22) اگرچه برخی کاهش بیش از دو سوم بازداشت‌های نوجوانان را از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ و قضازدایی قابل‌توجه را یک چرخش آشکار در سیاست‌های رفاهی دانسته‌اند، لیکن دعوت به پذیرش رویکردی احتیاط‌آمیز با لحاظ ورود بیش از حد جوانان اقلیت قومی و سیاه پوست به نظام عدالت کیفری نموده‌اند. (pitts, 2015: 5) زیرا این آمارها سوای اقلیت قومی و سیاه‌پوست است که نرخ بازداشت آنان بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ بین ۳ تا ۲۲ درصد رشد در نوسان بوده‌است. (Herlitz & Hough, 2016, pp. 23-24) این مسأله توسط مانسی به عنوان آشکار شدن تناقضات اساسی عدالت جوانان نامیده شد. (Muncie, 2002: 157)

<sup>1</sup> Youth interference panels

<sup>2</sup> Educational misbehaviours

<sup>3</sup> Anti social behavior order

<sup>4</sup> <https://www.gov.uk/government/statistics/youth-justice-annual-statistics-2013-to-2014>

<sup>5</sup> <https://www.gov.uk/government/statistics/youth-justice-annual-statistics-2013-to-2014>

<http://www.ons.gov.uk/ons/rel/crime-stats/crime-statistics/year-ending-september-2014/sty-stock-take-of-crime-statistics.html>.

<sup>6</sup> Anti-social Behaviour, Crime and Policing Act 2014

<sup>۷</sup>. به بخش اندکی از این آمار اشاره شده است. برای مشاهده آمار کامل می‌توان به منابع فوق مراجعه نمود..

در مقابل، رویکرد رفاهی برخی ایالت‌های امریکا متضمن لزوم مداخله ابتدایی نهادهای اجتماعی در کنار مشارکت داوطلبانه کودک و نوجوان است. به عنوان نمونه، به دلیل نگرانی از شمار مجرمان وضعیتی که در نهایت به دلیل بزهکاری وارد نظام کیفری می‌شوند، قانون‌گذار کالیفرنیا دو قانون جوانان گریزان از منزل<sup>۱</sup> و خانواده‌های در بحران<sup>۲</sup> تصویب نمود<sup>۳</sup> و ارائه خدمات اضطراری مانند غذا، سرپناه، مراقبت‌های بهداشتی یا حمایت مالی کافی به نوجوانان بی‌خانمان و گریزان از منزل را الزامی نمود. در کنار آن، سازوکارهای توانبخشی کوتاه‌مدت و بلندمدت را به ویژه با تمرکز بر ارائه «خدمات تخصصی» در زمینه سوءاستفاده جسمی و جنسی پیش‌بینی نمود. قانون خدمات نوجوانان بی‌خانمان کلرادو<sup>۴</sup> به منظور پیشگیری از تشدید رویه در ارائه خدمات، بر مشارکت و هماهنگی بین نهادهای دولتی و خصوصی خدمات‌رسان تمرکز نمود و دفتر خدمات نوجوانان بی‌خانمان را به این منظور ایجاد نمود. (Kendall, 2007(b), pp.52-53; Dennis, 2017, pp.31-32)

یافته‌های مبتنی بر شواهد در عین این که بیانگر موفقیت چنین برنامه‌هایی است نشان می‌دهد مجرم وضعیتی تلقی نمودن این نوجوانان توسط برخی از ایالت‌ها مانع ارائه خدمات داوطلبانه شده و بزه‌دیدگی را تشدید نموده است. زیرا آنان آسیب‌های متحمل شده در خانواده را با خود به خیابان‌ها منتقل می‌کنند؛ به این معنی که در برابر استثمار جنسی، خشونت و مواد مخدر آسیب‌پذیر بوده و به شدت مستعد ابتلا به اختلالات سلامت روان و جسم هستند. (Dennis, 2017, p.33) بنابراین، ایالتی مانند ایندیانا در صورت عدم تأثیر مداخلات داوطلبانه، علیه والدین اقامه دعوی می‌نماید؛ به موجب ماده ۱۷ قانون نوجوانان، دادستان، مددکار اجتماعی یا ماموران پرویشن<sup>۵</sup> دادخواستی علیه والدین یا سرپرست نوجوان به منظور شرکت آنان در برنامه مراقبت، درمان یا بازپروری وی طرح می‌نمایند و دادگاه در صورت احراز لزوم مشارکت آنان، دستور کسب همیاری از مددکاران را در اجرای وظایف پدر و مادری در راستای فراهم نمودن مراقبت یا درمان معین برای نوجوان صادر می‌کند<sup>۶</sup>.

در حقوق ایران، به موجب بند الف ماده ۶ و ماده ۲۹ قانون حمایت مداخله ابتدایا یا به موجب حکم قضایی بر عهده سازمان بهزیستی است که پیش از تصویب قانون، به موجب مقررات پیش‌گفته، متکفل مداخله حمایتی فوری و طولانی‌مدت (نگهداری) بوده است لیکن چند نکته در این خصوص قابل طرح است. نخست، قانون‌گذار به موجب ماده ۴۳، شرکت در دوره حقوق کودک و نوجوان و اخذ گواهی را برای والدین، اولیا، سرپرست قانونی و هر فرد مرتبط، به تشخیص دادرس واگذار نموده است؛ در حالی که هیچ وضعیت خطر سازی بی‌ارتباط با شرایط زمینه‌ای خانواده نیست و ولی و سرپرست فراتر از حقوق کودک و نوجوان لازم است با حقوق خانواده و روابط والد و فرزند آشنا باشد که مستلزم الزام به مشارکت در دوره‌های فرزندپروری و حقوق خانواده است. هر چند روابط خانوادگی باید تحت کنترل‌های غیر رسمی باشد، در چنین شرایط منجر به آسیب فردی، خانوادگی و اجتماعی، کنترل قانونی گریزناپذیر است. دوم. ضمانت- اجرای تخطی والدین از دستور قضایی یا کودک و نوجوان از شروط مقرر پیش‌بینی نشده است هر چند که طی ماده ۴۴ مددکار اجتماعی موظف به نظارت و پیگیری دستورات قضایی است. در این خصوص، اشاره به دادنامه صادر شده از شعبه ۳ دادگاه کودکان و نوجوان

<sup>1</sup> Runaway Youth

<sup>2</sup> Families in Crisis

<sup>3</sup> California Code, Welfare and Institutions Code - WIC § 1788

<sup>4</sup> Crado's Act of Homeless youth services

<sup>۵</sup> . بهتر است دست‌کم در نظام عدالت نوجوانان، این نهاد بدون گذاشتن معادل استفاده شود زیرا ناظر به نظارت بر کودک و نوجوان طی یک مداخله حمایتی غیر رسمی یا پیرو حکم دادگاه است.

<sup>6</sup> Sec 31-6-4-17

مجتمع شهیدفهمیده<sup>۱</sup> ادال بر محکومیت جوان ۲۰ ساله به ترغیب دختر نوجوان به فرار از منزل در معیت وی به مدت چند روز مفید است اگرچه اتهام ترغیب به فرار در بحث کنونی موضوعیت ندارد لیکن تصمیم دادرس به شرح زیر دارای اهمیت است: «مستفاد از ماده ۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان.. و اخطار قانونی ذیل این ماده به مشارالیه و خانواده ایشان.. وی را به پرداخت ۳ میلیون ریال جزای نقدی محکوم.. مالا با هدف حفظ هویت .. و سلامت پرورش.. به استناد مواد.. و ۹۴ ق.م.ا اجرای مجازات به مدت ۳ سال آینده به طور مراقبتی تعلیق.. و وی مکلف به انجام اقدامات ترمیمی شامل ۱. مراجعه و اخذ نظریه مشاور روان شناس ۲. توجه به ساعات ورود و خروج... ۶. ارائه گزارش عملکرد ماهیانه.. و در خصوص والدین نوجوان... و طفل... بنا به عدم رعایت مصالح ایشان از جمله بی توجهی و سهل انگاری موضوع مواد ۱ و ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان از طریق مراجع قضایی صالح اعلام جرم نموده..» البته رأی دادگاه در خصوص طفل فرار نموده از منزل متضمن هیچ گونه مداخله تخصصی نیست؛ زیرا قانون حمایت فرار بار نخست را مشمول مداخله قانونی تلقی نکرده است که با توجه به ماهیت و ابعاد و نتایج فرار قابل توجه نیست. همچنین، اگرچه ذیل عنوان «بی توجهی منجر به وضعیت مخاطره آمیز علیه والدین اعلام جرم شد، این امر نیز طی رسیدگی به جرم ترغیب به فرار، توسط دادرس تشخیص داده شد که در صورت عدم طرح شکوائیه ترغیب به فرار، امکان طرح آن نیز نبود.

**۱-۲-۲. خدمات خانواده و اجتماع محور.** مداخلات زمانی بیشتر اثربخش است که خانواده و جامعه نیز در بررسی مشکل و یافتن راه حل ها مداخله نمایند. مداخلات خانواده محور مانند مشاوره یا برنامه های فرزند پروری در رفع مسائلی مانند غفلت از کودک، سوء استفاده از او یا سوء مصرف مواد مؤثر است. (Muncie, 2005, p. 38-39) برنامه های اجتماع محور نیز باعث تقویت انسجام اجتماعی و تدارک الگوهای مثبت و نظام های حمایتی در محیط پیرامون نوجوانان شده که باعث عدم وقوع یا کاهش رفتارهای ضد اجتماعی و جرم می شود. (Muncie, 2005, p.39). مدل میزری<sup>۲</sup> در ایالات متحده معیاری بین المللی برای عدالت نوجوانان است که مراکز اجتماع محور به عنوان جایگزین مراکز سنتی بر گروه درمانی در کنار درمان و آموزش فردی تمرکز دارد، (Mendel, 2011, p 184; Kendall, 2007(b), p 12 هدف آن نیز کمک به پذیرش شکاف های نسلی، شناسایی نقش خانواده در رفتارهای ضد اجتماعی و جرم و سهیم نمودن آن در مدیریت رفتار آسیب زای کودک و نوجوان است که با ارائه مداخلات خانوادگی، خدمات فشرده اتحاد مجدد خانواده را انجام می دهد و از طریق مشارکت در توانبخشی کودک، به شکستن چرخه نسلی کژ رفتاری و جرم کمک می کنند. (Kuborn, et al., 2010, p.10) (11 بنابر یافته های پژوهشی، بازگشت کودک و نوجوان مشمول این مدل، به نظام کیفری در مقایسه با همتایان خود بسیار کمتر (۳۰ درصد در برابر ۷۰ درصد) بوده است. (Mendel, 2011, p 15)

یک نمونه از نظام های چند سطحی مدیریت رفتارهای ضد اجتماعی مربوط به انگلستان است که شاید بتوان به دلیل مختصات خاص آن سیستم انگلیسی نامید که قدیمی ترین برنامه آن به نام «طرح های مداخله در خانواده»<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۶ به منظور کاهش رفتارهای ضد اجتماعی ناشی از خانواده های مشکل دار تأسیس شد. (Respect Task Force, Home Office, 2006) تمرکز این طرح بر نقش مددکاران

<sup>۱</sup> قابل دسترسی در: <https://dadresi.net/%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%AA%D8%B4%D9%88%DB%8C%D9%82-%D9%88-%D8%AA%D8%B1%D8%BA%DB%8C%D8%A8-%D9%86%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D9%87-%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%B1-%D8%A7%D8%B2-%D9%85%D9%86%D8%B2%D9%84/>

<sup>۲</sup> Missouri Model

<sup>۳</sup> Families Interference Projects

جهت هماهنگی خدمات برای خانواده و ارائه پشتیبانی در زمینه مدیریت خشم و فرزندپروری با نظارت مقامات محلی بوده است که دارای نقاط قوتی از جمله استفاده از متخصصان، خدمات یکپارچه و توجه به ریشه‌های خانوادگی مشکلات اجتماعی است.

(Hazel, 2008, p.6)

از سال ۲۰۱۴ نیز طرح جامع «خانواده‌های مسأله‌دار»<sup>۱</sup> عملیاتی شد. تخصیص کمک‌های مالی به خانواده‌های مشمول، مبتنی بر عملکرد و ایجاد نتایج مشخصی است که توسط مددکاران و تحت نظارت مقامات محلی ارائه می‌شود. شمول این طرح نه تنها جرم و رفتارهای ضد اجتماعی کودکان و نوجوانان مانند فرار و غیبت از مدرسه است بلکه شامل بیکاری یا مشکلات سلامت روان اعضای خانواده است. نتیجه‌محوری این طرح به این صورت است که در صورت بازگشت کودکان به مدرسه، کاهش جرایم نوجوانان یا کاریابی یا حرفه‌آموزی بزرگسالان، مقامات محلی تا سقف ۴۰۰۰ پوند به ازای هر خانواده کمک دولتی دریافت می‌کنند.

(Department for Communities and Local Government, 2014)

یک نمونه محلی، «ابتکار عمل سیاستی بیرمینگام با عنوان به خانواده فکر کنید»<sup>۲</sup>، ضمن توجه به کودک و نوجوان پرخطر، با لحاظ خانواده به عنوان یک کل منسجم، متمرکز بر حفظ آموزش کودکان، کمک به آموزش یا اشتغال والدین، کاهش رفتارهای ضد اجتماعی و جرم و بهبود مهارت‌های فرزندپروری است. این ابتکار عمل با ارائه خدمات و درمان چند سیستمی (سلامت روان و جسم، آموزش...) به خانواده‌های دارای جوان ۱۱ تا ۲۵ ساله در معرض خطر بازداشت یا مراقبت کمک می‌کند. (Hazel, 2008, p.8) که شامل گفتگوی باز، کنفرانس خانوادگی و رویکرد ترمیمی برای پیشبرد رویکرد حمایت از کل خانواده به عنوان یک واحد است که در نظام‌مند نمودن رویکردهای ترمیمی و خانواده‌محور و افزایش اعتماد به نفس خانواده‌ها و مددکاران اجتماعی در حل و فصل مسائل موفق بوده است. (Tew et al., 2015, p.59) چنین رویکردهایی برآیند کاربست موفقیت‌آمیز برنامه‌های گفتگو محور در برخی از ایالت‌های امریکاست. یک نمونه پیشرو برنامه میانجیگری مجرمان وضعیتی در شهرستان توثین فالز، ایالت آیداهو از اواخر دهه ۱۹۹۰ است که هدف آن تشویق تفکر خلاق پیرامون حل مسائل است که طی آن دادگاه به برگزاری جلسات میانجیگری در پرونده‌های نوجوانان نافرمان، گریزان از منزل و مدرسه یا ناقض مقررات منع رفت و آمد و به منظور کاهش ورود آنان به چرخه بزهکاری اقدام می‌نماید. در این راستا، کارمند آموزش دیده پس از ارزیابی مناسب برنامه برای خانواده موردنظر، جلسه را برگزار می‌نماید که اجزای آن عبارت‌اند از: بیانیه آغازین: تشویق والدین و نوجوانان بر متمرکز بر چگونگی بهبود روابط آتی خود؛ بررسی مسئله: شناسایی اختلافات و مسائل؛ علایق مشترک: شناسایی علایق و نیازهای مشترک؛ گزینه‌ها: شناسایی گزینه‌های حل اختلافات؛ و توافق‌نامه‌ها: شناسایی توافقات و ثبت آن به عنوان بخشی از یک تفاهم‌نامه. (Kendall, 2007(b), p.92)

در مقابل، قانون ایالت‌هایی مانند ایلینوی و نیویورک، خدمات میانجیگری را برای مجرمان وضعیتی و خانواده‌های آنان الزامی نموده‌اند. این الزامات قانونی از این لحاظ منحصر به فرد هستند که بر محوریت خانواده و حفظ اقتدار آن تمرکز نموده و آنان را قادر می‌سازد تا بدون مداخله عمومی، اختلافات را مدیریت کنند. به منظور اطمینان از کسب نتایج مثبت و مقرون به صرفه، قوانین و دستورالعمل‌ها مواردی مانند نهادهای دخیل، چگونگی مداخله و مسئول پرداخت هزینه فرایندها و ارزیابی آن‌ها را مشخص نموده‌اند که دارای یک

<sup>1</sup> Families in problem

<sup>2</sup> Birmingham's Think Family policy initiative

مضمون مشترک است: در مقایسه با رویکرد قضایی و امنیت‌محور، کمک به خانواده‌ها برای حل مشکلات درونی نتایج بهتری را برای نوجوانان و والدین فراهم می‌کند. (Benton, 2010, p 123-125)

مطابق قانون فلوریدا، علی‌رغم عدم الزام میانجیگری، هم‌زمان با ترغیب خانواده‌ها به مشارکت، بر شدت مداخله افزوده می‌شود. به این شرح که نخست، اداره دادگستری نوجوانان، مناسب بودن مشارکت داوطلبانه را احراز نموده و در صورت امتناع یا مخالفت خانواده، به درخواست اداره مذکور، نماینده مدرسه منطقه، عدالت کیفری، سلامت روان یا سایر سازمان‌ها برای برگزاری جلسات مرکب از متخصصان چندرشته با خانواده معین می‌گردد و با پذیرش طرح توسط خانواده، مدیر پیشبرد برنامه تعیین می‌شود. نهایتاً با عدم پیروی خانواده از الزامات مطرح یا عدم دریافت خدمات (درمانی، آموزش...) که حاصل فرایند میانجیگری بوده‌است، ثبت دادخواست «کودک نیازمند خدمات» امکان‌پذیر است. (Kendal, 2007(a), p. 15-16)

به استناد یافته‌های پژوهشی، چنین برنامه‌های میانجیگری با موفقیت از ورود مجرمان وضعیتی به فرایند رسمی پیشگیری نموده و سواى کاهش اطلاع دادرسی و تمرکز دادگاه نوجوانان یا خانواده بر موارد جدی، منجر به کاهش شمار نوجوانان محروم‌شده از مراقبت خانواده می‌شود. مهم‌ترین که، به جای کیفردهی کژرفتارهای ناشی از اختلال در عملکرد خانواده، با تشویق همکاری و هماهنگی منجر به کاهش تعارض می‌شوند. (Kendall, 2007(b), p.93) به عنوان نمونه، نتایج یک تحقیق در ایالت میشیگان در خصوص فرار از مدرسه نشان می‌دهد که چنین برنامه‌ای در بهبود رفتار دانش‌آموز و پیشگیری از تکرار آن ۷۴ درصد موفق بوده‌است گرچه کارکنان، مقامات مدرسه و تسهیل‌گران نیازمند آموزش بیشتر بوده‌اند (Shelton, 2007, p. 27-28)

در مقام مقایسه، برخی پژوهش‌های تجربی با بررسی راهبرد خانواده‌های ایرانی در قبال کژرفتاری کودک و نوجوان سه راهبرد را شناسایی نموده‌اند؛ راهبرد مراقبتی ناکارآمد (نداشتن راهبرد)، دفعی (واکنش‌های ناگهانی مانند خشم و تنبیه) و فرایندی (پیش‌بینی و آمادگی کافی برای پاسخ) (عاطفی فروهمکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۱۰). دو مورد نخست نشان‌دهنده درماندگی و ناتوانی خانواده در مدیریت پاسخ به کژرفتاری نوجوان است (عاطفی فر و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۱۱) که قطعاً در وقوع یا تکرار رفتار پرخطر و بزهداری بی‌تأثیر نیست. یکی از مشخصه‌های رویکرد رفاه‌محور، تقویت راهبردهای خانواده در برابر کژرفتاری کودک و نوجوان از طریق مشاوره، آموزش و مشارکت گفتگو‌محور در حل مسئله است که در قوانین و مقررات ناظر به حمایت از کودک و نوجوان تا دهه ۸۰ مسکوت و در عوض اصل بر نگهداری و اقامت بود. لکن به موجب دستورالعمل‌های سازمان بهزیستی از جمله مرکز مداخله در بحران (اورژانس اجتماعی) اولویت مداخله و حمایت در قالب ارائه مشاوره خانوادگی و تسهیل حضور کودک در خانواده است که این امر متأثر از پیوستن ایران به اسناد جهانی مانند کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ است. سواى آن، قانون حمایت در قالب طرح نماد (ماده ۶ قانون و ۴۲ تا ۴۴ آیین‌نامه) ارائه خدمات مددکاری مانند مشاوره‌های خانوادگی و خدمات اورژانس اجتماعی به دانش‌آموزان و خانواده‌ها، برگزاری جلسات و دوره‌های آموزشی برای خانواده‌ها را الزامی نموده‌است.

همچنین، به منظور اخذ بهترین تصمیم حمایتی، به موجب ماده ۳۸ حق حضور والدین، اولیاء، سرپرست قانونی و مددکار اجتماعی را در جلسه رسیدگی به سایر وضعیت‌ها و ارائه نظر مشورتی و پیشنهاد حمایتی پیش‌بینی کرده‌است. اگرچه قانون صریحاً قاضی را ملزم به لحاظ این امر در اخذ تصمیم ننموده لیکن شناسایی حق برای این افراد که بیشترین شناخت و درک را نسبت به وضعیت کودک و نوجوان حسب همزیستی یا تخصص دارند، ملازم با تکلیف دادرسی به بررسی و حتی تبعیت از مشاوره و نظر صائب است که منجر به اخذ تصمیم



دستورالعمل مداخله در بحران و آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی، نگهداری طولانی مدت باید آخرین راه‌حل باشد. سوم. هیچ اقدام قانونی نسبت به والدین در خصوص بی‌توجهی نسبت به کودک انجام نشده است در حالی که چنین وضعیت‌هایی ذیل عنوان بی‌توجهی یا سوءرفتار توسط والدین به موجب قانون حمایت جرم‌انگاری شده است. به عنوان نمونه، امتناع یا جلوگیری از آموزش کودک و نوجوان به موجب ماده ۷ قانون حمایت و با ارجاع به قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل کودکان و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ که نسخه اصلاحی قانون آموزش اجباری ۱۳۲۲ است، مستوجب مجازات درجه ۷ است که این قانون نیز در فرایند ترجمه قوانین خارجی تصویب شد. زیرا از اواخر قرن ۱۹ مجازات والدین برای جلوگیری از آموزش فرزندان در دستور کار مجالس قانون‌گذار قرار گرفته بود (Hollingsworth, 2007, p.6) و امروزه ابتدا مشمول مداخلات رفاه‌محور است. حتی وضعیت‌های منتسب به کودک و نوجوان (جرایم وضعیتی) مانند فرار مکرر از مدرسه و خانه، با اثبات بی‌توجهی موضوع بند ۲ ماده ۳ مستوجب مداخله و حمایت قانونی از وی است. البته قانون‌گذار می‌توانست در همه موارد ابتدا مداخله پلکانی در قالب ارائه فرصت داوطلبانه و سپس تحمیل تعهدات بر والدین و کودک را به مؤسساتی مانند بهزیستی و نهادهای موضوع طرح نماد و اگذار نماید و با عدم موفقیت، موضوع در صلاحیت مقام قضایی قرار می‌گرفت که علاوه بر مصون ماندن روابط خانوادگی از مداخله قضایی، زمان و هزینه کمتری صرف رسیدگی به چنین موضوعاتی می‌شد.

البته، پاسخ‌های رفاه‌محور با همه نتایج مثبت، مواجه با نقدهایی است که بیشتر ناشی از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و سیاست‌های اقتصادی به عنوان شاکله هر رویکرد ناظر به عدالت است به گونه‌ای که به زعم برخی، تنیدگی چنین ساختارهای توأم با تبعیض و سوگیری (به ویژه در جوامع متکثر) باعث نظارت و کنترل بیشتر بر گروه‌های خاص است و به همین سبب آنان را به سمت رویکردی الغاگرایانه رهنمون کرده است. (Washington, et al, 2025, pp.558-559) یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، سوگیری جنسیتی است که به حکایت پژوهش‌های طولی جرم‌شناسانی مانند مدا چسنی لیند، اگرچه تا اواخر دهه ۸۰ و پیش از جرم‌زدایی توسط غالب ایالت‌ها تعقیب و بازداشت و مجازات دختران بیشتر از پسران بود. (Cheney-Lind, 1988, p.144; 1973, p.121; 1963, p.262) اگرچه مطابق یافته‌های پژوهشی کمیت‌محور پیرو جرم‌زدایی و متاثر از رویکردهای فیمینستی، این نوع تبعیض ناچیز و نامحسوس بود، به حکایت یافته‌های پژوهشی مبتنی بر مشاهده جلسات دادگاه، دادرسان رفتارهای وضعیتی دختران را در قالب عناوین مجرمانه مورد رسیدگی و مجازات قرار می‌دادند. (Curran, 1984, p 386; Bishop & Frazier, 1992, p 1166) به عقیده برخی، نه پژوهش‌های حوزه فیمینسیم و نه الزامات تقنینی فدرال بر حذف کامل سوگیری جنسیتی مؤثر نبوده است.

(Bishop & Frazier, 1992, p 1186; Humphery, 2004, p.168; Hollowey, et al, 2024, p. 10) همچنین، برخی با بررسی اسناد مربوط به سیاست‌ها و رویه‌های مذکور مدعی‌اند که مفهوم سازی رفاه، کلی‌گویی است که غالباً با احساسات کودک دوستی و کودک‌محوری پیوند یافته است تا تمرکز صرف بر نیازها و مخاطرات مربوط محرومیت اجتماعی به ویژه اینکه بر خلاف توافق عمومی ناظر به کاهش قابل ملاحظه میزان ورود نوجوانان به نظام عدالت، نیازهای افراد افزایش یافته و پیچیده تر شده است. (Smith & Gray, 2019, p.559) افزون بر این، به نظر می‌رسد با تاکید جدی بر مسئولیت و جبران، به طور قابل توجهی باز اجتماعی شدن (ادغام مجدد) کنار گذاشته شده است. (Pitts, 2015, p. 8) این امر سوای نابرابری ساختاری در شمول و امکان دسترسی به خدمات رفاه‌محور است که در امریکا نسبت به نوجوانان بومی و سیاه‌پوست مشهود است. (Hollowey, et al, 2024, p. 7) از این‌رو، در سال ۲۰۱۸، بنیاد آئی ای کیسی<sup>۱</sup> به منظور پیشگیری از تحمیل ضمانت‌اجرای نقض دستورات مراقبتی بر

<sup>۱</sup> بنیاد غیرانتفاعی پژوهشی و کنشگر در حوزه کودکان و نوجوانان

نوجوانان رنگین پوست پیشنهاد اقدام به انجام نقشه‌برداری جغرافیایی توسط نهادهای خدمت‌رسان را به منظور شناسایی نابرابری‌های مکانی بین نوجوانان و مکان‌های ارائه خدمات مطرح نمود. (The Annie E. Casey Foundation, 2018)

مطابق تازه‌ترین یافته‌های پژوهشی در بالتیمور امریکا، موانع مکانی و ساختاری تأثیر قابل توجهی بر پیگیری دستورات درمانی و مشارکت توسط نوجوانان (بزهکار یا مجرم وضعیتی) دارد؛ زیرا بیشتر نوجوانان (بیش از یک سوم) در مناطقی پایین‌تر از متوسط سطح فقر و نبود امکان دسترسی به خودرو برای بیشتر سکنه زندگی می‌کنند. (Fountain & Mahmudi, 2020, p, 16)

اما با لحاظ انعطاف‌پذیری این رویکرد و پذیرش یافته‌های بین‌رشته‌ای، امکان ارتقا و بهبود آن از طریق آزمون روش‌های بین‌رشته‌ای وجود دارد. یکی از این روش‌ها ارزیابی خطر مبتنی بر نیازهای رشدی نوجوانان است که دارای سه مؤلفه خطر، نیاز و پاسخگویی است که به عنوان شیوه‌ای مبتنی بر شواهد، بر بهبود تصمیم‌گیری در پرونده، ارزیابی پیامدها و نرخ تکرار جرم مورد توجه قرار گرفته‌است. (Nelson & Vincent, 2019, p.1137)

برخی اندیشمندان جرم‌شناسی و رشد حتی آن را سنگ بنای درمان می‌دانند که با تأثیر بر مدیریت پرونده (از پذیرش تا صدور حکم و نظارت و درمان) امکان تأثیرگذاری قابل توجهی بر مسیر نوجوان در نظام عدالت دارد. تازه‌ترین پژوهش سولیوان و همکاران وی در خصوص جمعیت نوجوان بزهکار و مجرم وضعیتی حاکی از این است که ماهیت تصمیمات و احکام (قضایی و غیرقضایی) با ابتناء بر ارزیابی سطح خطر، بر تکرار (جرم/مخاطره) تأثیرگذار است؛ بدین گونه که نگهداری نوجوانان پرخطر و دارای خطر متوسط (به ترتیب جرم جنایی و جنحه) در مرکز اقامتی و با ارائه خدمات متناسب و کنترل کوتاه‌مدت در کاهش تکرار جرم ممکن است مؤثر باشد در حالی که احتمال تکرار تخلف/جرم را برای نوجوانان کم‌خطر (مجرمان وضعیتی) افزایش می‌دهد. (Sullivan, 2022, p.155)

**۲. رویکرد مبتنی بر مداخله عدالت کیفری.** رویکرد تنبیهی با تمرکز بر «اعمال» کودک و نوجوان نه «نیازهای» آن‌ها، دارای مشخصه‌های تنبیهی مانند رسیدگی کیفری و مجازات است. (Cavadino & Dignan, 2012, p.6-7) همچنین، پیش‌بینی برخی سازوکارهای غیررسمی به منزله زائل شدن وصف تنبیهی نیست. زیرا هیچ رویکرد تنبیهی خالص وجود ندارد. ذیل بحث‌های پیش‌رو، مهم‌ترین شاخص آن یعنی جرم‌انگاری و حفظ پاسخ سزاگرایانه بررسی می‌شود. پیش از هر چیز لازم است به زمینه‌های حفظ یا پیش‌بینی رویکرد تنبیهی نسبت به کژرفتاری کودک و نوجوان به عنوان در دسترس‌ترین آماج پرداخت.

**۱.۲. زمینه‌های فرگشت کیفری.** از دیدگاه نظری، پیرو انتقادات فزاینده برخی از حقوق‌دانان و مددکاران اجتماعی در اواخر دهه ۷۰م. نسبت به تحدید آزادی فردی با توجیه رفاهی که نه تناسبی با جدیت جرم و نه حمایت از مرتکب داشت، نسخه جدید سزادهی مبتنی بر لزوم تناسب مجازات، دادرسی عادلانه و حذف بیشتر اختیارات قضایی، حرفه‌ای و اداری در فرایندهای عدالت کیفری و نوجوانان ارائه شد. (Bishop, 2006, p.5) از سوی دیگر، رخدادهای جنایی جدی توسط نوجوانان در دهه‌های ۸۰ و ۹۰م. و پوشش گسترده رسانه‌ای در پیشبرد سیاست‌های تنبیهی و حذف رویکردهای پیشگیرانه و قضاودابانه مؤثر بود. به تعبیر برخی، جایگزینی تصاویر رایج از کودک بزهکار نسل پیش به عنوان مصرف‌کننده ماری جوانا و دله‌زد با تصویر تهدیدآمیزی از وی به عنوان فروشنده مواد مخدر و مرتکب رفتارهای مرگبار از طریق اسلحه، جریانی از قوانین تنبیهی ایالتی و فدرال را به دنبال داشت که نه تنها مجازات حبس را گسترش داد بلکه حتی موجب لغو محاکمه آنان توسط دادگاه‌های نوجوانان شد. (Mears, 2014, p 9-11). این موضوع بی تأثیر از گفتمان سیاسی حزب محافظه‌کار نبود که حتی چپ‌ها را نیز به دنبال منافع سیاسی به آن متمایل کرد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹-۹۰، ص ۲۹۷۳)

۲۹۷۴) خصوصاً با افزایش نرخ جرم و نگرانی عمومی، وضع اصطلاح «ابرشکارچی»<sup>۱</sup> توسط دانشمند علوم سیاسی، جان دی‌یولیو<sup>۲</sup>، این ایده را تقویت کرد که برخی از جوانان اصلاح‌ناپذیر و مستوجب مجازات‌های مشابه بزرگسالان هستند. (Muncie, 2006, p.37) چنین رویکردی توسط مقامات سیاسی و قضایی در سال ۲۰۲۵ و پیرو حمله گروهی از نوجوانان به نوجوان ۱۹ ساله‌ای در واشنگتن، با قاطعیت دنبال شد به گونه‌ای که میزان دستگیری نوجوانان از زمان شیوع کرونا تا کنون در دوره زمانی ژانویه تا ژوئن ۲۰۲۵ به بالاترین میزان خود رسید. رئیس‌جمهور ایالات متحده در تأیید آن اظهار نمود: «قانون در واشنگتن دی سی باید تغییر یابد تا «افراد زیرسن قانونی» را به عنوان بزرگسال تحت پیگرد قانونی قرار داده و از ۱۴ سالگی به مدت طولانی زندانی کند.» در این راستا، دادستان‌های نواحی مختلف از جمله واشنگتن دی سی با انتقاد از قوانین موجود در حال تلاش برای تغییر آن‌ها از جمله قانون کاهش حبس ۲۰۲۱<sup>۳</sup> و قانون اصلاحی فرصت دوباره ۲۰۲۴<sup>۴</sup> هستند.<sup>۵</sup>

تأثیر چنین حوادثی بر مقررات ناظر به جرایم وضعیتی آموزشی، انکارنشدنی است. به این شرح که پس از تیراندازی‌های مرگبار در مدارس آمریکا در دهه ۹۰، سیاست‌های تعلیق، اخراج و حتی دستگیری و اعمال ضمانت‌اجرای شدید به گونه‌ای گسترش یافت که حتی شامل موارد جزئی مانند دادن آسپیرین به همکلاسی، حمل چاقوی کره در ظرف ناهار یا ناسزاگویی به یک مقام مدرسه نیز می‌شد که در افزایش نرخ ترک تحصیل و بزهکاری بی‌تأثیر نبود. (Bishop & Decker, 2006, p 26) این «راه حل‌های سریع» که با نادیده گرفتن ریشه‌ها، منجر به صرف مبالغ هنگفتی برای برنامه‌های تساهل صفر، اردوگاه‌های آموزشی، برنامه‌های فراگیر بازداشت نوجوانان و منع رفت و آمد شد، صرفاً راه «میان‌بر» بودند. (Lundman, 2001, p. 11) حتی به استناد گزارش‌ها و یافته‌های پژوهشی کنونی، استقرار گسترده نیروهای پلیس در مدارس آمریکا پس از تیراندازی‌های مرگبار دهه‌های اخیر تا سال ۲۰۲۲ نه تنها فاقد کارکرد پیشگیرانه بوده بلکه در دستگیری و متهم نمودن گسترده نوجوانان غالباً رنگین‌پوست مؤثر بوده است.<sup>۶</sup>

چنین فرگشت تنبیهی در سایر نقاط جهان نیز قابل مشاهده است. پوشش رسانه‌ای بی‌وقفه و واکنش عموم در پی قتل یک پسر دو ساله به نام جیمز بولگر<sup>۷</sup> توسط دو پسر ۱۰ ساله در انگلستان در سال ۱۹۹۲، نگرش‌های سیاسی نسبت به بزهکاری و کژرفتاری نوجوانان را تشدید نمود و منجر به لغو قانون رفاه‌محور ۱۹۹۱ و تصویب سریع قانون عدالت کیفری ۱۹۹۳ و سپس قانون عدالت کیفری و نظم عمومی ۱۹۹۴ با تمرکز بیشتر بر تنبیه و محدودیت شد. (Muncie, 2001, p.33) به باور برخی، رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان مانند ولگردی، خرابکاری و غیره به عنوان مسائل مهم صدر اخبار، بزرگترین نگرانی کسانی بود که در دوران دولت تونی بلر (۱۹۹۷-۲۰۰۷) و گوردون براون (۲۰۰۷-۲۰۱۰) بزرگ شده بودند.<sup>۸</sup> در این میان، نقش انتقال سیاست‌ها نیز انکارناشدنی است. به عنوان مثال، علی‌رغم مخالفت حزب

<sup>1</sup> Super predator

<sup>2</sup> John J. DiIulio Jr.

<sup>3</sup> The 2021 Incarceration Reduction Amendment Act

<sup>4</sup> [2022 Second Chance Amendment Act](#)

<sup>5</sup> <https://edition.cnn.com/2025/08/19/politics/dc-youth-crime-laws>

<sup>6</sup> <https://everytownresearch.org/report/how-to-stop-shootings-and-gun-violence-in-schools/>

<sup>7</sup> James Bolger

<sup>8</sup> <https://news.sky.com/story/how-the-politicians-of-your-youth-affect-your-fears-about-crime-11465475>

کارگر با انتقال سیاست‌های فرا آتلانتیکی توسط حزب محافظه کار، پس از سفر بلر به ایالات متحده در سال ۱۹۹۳، که پیش در آمد دکتربین جدید «سختگیری در برابر جرم و علل آن» بود، تمرکز خود را از اروپا به سیاست‌های دموکراتیک جدید ایالات متحده تغییر داد و از اواسط دهه ۹۰ سیاست‌های عدم تساهل، منع رفت و آمد شبانه، سیاست‌گذاری به سبک شیکاگو مبتنی بر گروه‌های کانونی محله و کنترل شدید والدین به نوعی به انگلستان منتقل شدند. (Muncie, 2001, p 28-29)

در نهایت، می‌توان به سیاست‌های نئولیبرالیستی نظم و امنیت محور اشاره کرد که در امریکا دولت ریگان و در انگلستان حزب حاکم تاچر بر آن تمرکز داشت که آن را بازتاب شکست دولت‌های رفاهی می‌دانند (طاهری، ۱۳۹۲، ص ۲۷) به باور برخی، فراتر از تأثیر اقتصاد، ماهیت نئولیبرالیسم مقتضی کاهش تحمل سیاسی نسبت به جرم و کژرفتاری نوجوانان به طور خاص بوده است. (Muncie, 2006, p 63). مهم‌تر اینکه در دهه اخیر نیز رویکرد سیاست‌مداران محافظه کار، محدود نمودن تدابیر رفاه محور بوده است که در سال ۲۰۱۰ ترزا می وزیر کشور بریتانیا با تأکید بر لزوم حذف برخی از این تدابیر یا محدود نمودن صلاحیت برخی نهادهای مربوط، آن‌ها را مثنی الفبای هزینه‌بر توسط حزب کارگر توصیف کرد. (Herlitz & Hough, 2016, p.10) به باور برخی، این رویکردهای سنتی، که هنوز در بسیاری از گفتمان‌های سیاسی بریتانیا رایج هستند، در درجه اول مجازات را واکنش لازم در برابر نوجوانان تلقی نموده و توانبخشی را در درجه دوم قرار می‌دهند.<sup>۲</sup>

**۲-۲. جرم انگاری و سزادهی.** از حیث نظری جرم‌انگاری کژرفتاری‌های کودکان و نوجوانان دارای توجیه سیاسی و اجتماعی است. چنان‌که از یک منظر، مهم‌ترین نقش دولت شکل‌دهی شخصیت شهروندان است. (Bearows, 1987, p.191) افزون بر این، رفتار متضمن جرم وضعیتی ضمن اینکه غالباً بیانگر گذشته نامطلوب و بزهکاری آتی است، ذاتاً برای کودکان نامطلوب است و بنا بر خرد عرفی، فرار از مدرسه یا نافرمانی مزمن نامطلوب بوده است که قانونگذاران با اجماع بر لزوم حضور کودکان در مدرسه، قوانین حضور و غیاب اجباری را تصویب کرده‌اند. (Bearows, 1987, p. 188) بررسی رویکرد قانون‌گذاران نشان می‌دهد که گاهی جرایم وضعیتی را بزهکاری و مستوجب مجازات تلقی نموده و گاهی نیز مجرم وضعیتی در نتیجه عدم اطاعت از دستور دادگاه یا مرجع صالح عملاً به عنوان بزهکار<sup>۳</sup> محکوم و مستوجب مجازات می‌شود. (Szymanski, 2006, p. 2)

در ایالات متحده اگرچه از سال ۱۹۷۴ با تصویب قانون فدرال پیشگیری از بزهکاری و عدالت نوجوانان، بسیاری از ایالت‌ها با حذف عنوان جرم وضعیتی تدابیر رفاهی را جایگزین نمودند، تا اواخر سال ۲۰۰۸ نرخ بازداشت و نگهداری کودک و نوجوان به اندازه‌ای بود که بنا به آمارها هر شب دست کم ۴۰۰ هزار نفر در بازداشت‌های نوجوانان و حدود ۱۰۰ هزار نفر در سایر مراکز اقامتی نوجوان نگهداری می‌شدند که ۴۰ درصد آن مربوط به رفتارهای غیرخوشونت‌بار از جمله جرائم وضعیتی بود (Annie E. Casey Foundation, 2013) به گونه‌ای که تا سال‌های ۲۰۱۰ این رویه امریکا را به سرکوب‌گرترین کشور صنعتی نسبت به نوجوانان تبدیل کرد (Steinberg, 2013, p, 80-81; Hobbs, et al, 2013, p, 515) به تدریج، پیرو یافته‌های پژوهشی و الزامات قوانین فدرال ایالت‌های بیشتری<sup>۴</sup> اقدام به جرم‌زدایی نمودند جز موارد نادری مانند قوانین ایالت تگزاس که به عنوان نمونه سیاست‌های تنبیهی قابل اشاره است. مطابق این

<sup>1</sup> Tough on crime and it's causes

<sup>2</sup> <https://www.fightingknifecrime.london/news-posts/when-fear-meets-facts-the-politics-of-crime-prevention>

<sup>3</sup>. De facto

<sup>۴</sup>. کنتیکت و نیویورک در سال ۲۰۰۵ (<http://www.ojjdp.gov/about/legislation.html>) و بیرمنگام حوالی ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ (Miller, 2022:5) و به همین ترتیب ایالت‌های بیشتری در صدد حذف عنوان جرم وضعیتی و وضع تدابیر رفاه محور برآمدند.

قوانین، مدرسه‌گریزی (غیبت ناموجه) و در اختیار داشتن مشروبات الکلی صریحا جرم جنحه‌ای تلقی شده و مستوجب جریمه نقدی است. به موجب ماده ۱۰۶.۰۵ قانون مشروبات الکلی تگزاس، در اختیار داشتن مشروبات الکلی توسط فرد زیر سن قانونی جرم محسوب می‌شود مگر در موارد مصرحه در قسمت «ب» شامل داشتن، به موجب شغل مجاز، همراهی با والدین یا قیم یا سرپرست یا حضور و نظارت مأمور صلح. همچنین، به موجب بند «الف» ماده ۲۵.۰۹۵۱ قانون آموزش تگزاس، غیبت غیرموجه بیش از ۱۰ روز طی یک دوره شش ماهه مستوجب ارجاع طفل به دادگاه، توسط مدرسه است. همچنین مدرسه می‌تواند مشروط به ارائه شواهد مربوط به قصور جزایی، علیه والدین شکوائیه طرح نماید. دو جرم مذکور از جرائم جنحه‌ای درجه (C) محسوب می‌شوند که بر خلاف سایر جرایم وضعیتی در دادگاه‌های کیفری رسیدگی می‌شوند. جرم فرار از مدرسه در شعبات تخصصی فرار از مدرسه این دادگاه‌ها رسیدگی می‌شود.

سایر مصادیق جرایم وضعیتی (متزل‌گریزی، نقض مقررات رفت و آمد، استنشاق عمدی دخانیات، مواد مخدر و غیره، اخراج از مدرسه پیرو نقض مقررات آن، نافرمانی و اطاعت‌ناپذیری از والدین یا سرپرست) به موجب ماده ۵۱.۰۳ بخش سوم قانون خانواده، «رفتارنازمنند نظارت» نامیده شده و در صلاحیت دادگستری نوجوانان است که حسب مورد در دادگاه مدنی یا کیفری رسیدگی می‌شوند. برخلاف رسیدگی کیفری که مستوجب تحمیل مجازات یا در صورت صلاحدید، استفاده از نهاد پرویشن است، رسیدگی در دادگاه مدنی به شرح زیر است: بند (د) ماده ۵۲.۰۴ قانون خانواده دادرس را ملزم به اثبات یکی از دو مبنای حفظ امنیت جامعه یا نیاز کودک و نوجوان به بازپروری نموده که بر آن اساس وی مخیر به انتخاب یکی از موارد زیر است: پرویشن، برنامه‌های اصلاحی و تربیتی، اقامت در مراکز باز ماند مراکز بازپروری یا حبس در مراکز اصلاح و تربیت نوجوانان. اگرچه در کنار پاسخ‌های تنبیهی، پاسخ‌هایی اصلاحی و تربیتی نیز قید شده، مطالعات و گزارش‌های اداره دادگستری کیفری تگزاس و فدرال نشان می‌دهد تا سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ هم‌چنان تمرکز بر بازداشت و نگهداری غالب مجرمان وضعیتی بوده است که نه تنها بازدارنده نبوده است بلکه مشتمل بر آسیب‌های جدی به سلامت جسمی و روانی کودک و نوجوان است.<sup>۱</sup>

همان‌طور که اشاره شد، سوای جرم‌انگاری ابتدایی کژرفتاری، نقض حکم دادگاه (مبنی بر حضور در مدرسه یا ترک رفتار مربوط به عدم تردد در ساعات ممنوع یا نافرمانی) نیز مستوجب مجازات است. به موجب بند ۲(الف) ماده ۵۱.۰۳ قانون خانواده، سرپیچی از حکم قانونی دادگاه مستوجب ۷ روز باداشت است. همچنین عدم رعایت دستورات مأموران پرویشن به موجب بند ۱(د) ماده ۵۴.۰۲ منجر به صدور حکم جایگزین حبس در مراکز اصلاحی می‌گردد. این فرایند «نقض حکم یا دستور معتبر دادگاه»<sup>۲</sup> است که در اصلاحات سال ۱۹۸۰ قانون عدالت کیفری و پیشگیری از بزهکاری نوجوانان فدرال پیش‌بینی شد. همچنین در این جرائم باداشت منعی نداشته است لیکن به موجب اصلاحات قانون فوق در سال ۲۰۱۸ محدود به ۷ روز و در سال ۲۰۲۴ حذف شد و ایالت‌ها به تبعیت از آن تشویق شدند لیکن

<sup>1</sup> <https://www.texastribune.org/2024/08/01/texas-juvenile-justice-facilities-doj/> Also: [https://www.justice.gov/d9/2024-07/2024\\_tjjd\\_findings\\_report.pdf](https://www.justice.gov/d9/2024-07/2024_tjjd_findings_report.pdf)

<sup>2</sup> . Valid court order

قوانین ایالتی مانند تگزاس هنوز این استثنا را حفظ نموده‌اند. سوی گزارش نهادهای پژوهشی و تقنینی فدرال و ایالتی<sup>۱</sup>، یافته‌های پژوهشی رویکردهای سزاگرایانه را مورد توجه قرار داده‌است. به عنوان نمونه، مطابق داده‌های اداره دادگستری نوجوانان تگزاس<sup>۲</sup> از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵، نرخ دستگیری مجدد در طی سه سال برای گروه مشمول قضازدایی ۴۱ درصد، گروه مشمول دریافت خدمات مراقبتی ۶۲ درصد و مشمولان نگهداری در مراکز اقامتی ۷۴ تا ۷۵ درصد بود. (با کنترل متغیرهای زمینه‌ای قومی و نژادی)<sup>۳</sup>. نتایج پژوهش مشترک مرکز عدالت شورای دولت ایالتی تگزاس و مؤسسه پیو<sup>۴</sup> در خصوص ۳۲,۴۰۴ نوجوان تگزاسی در سال ۲۰۱۳ که به واسطه نخستین تجربه ارتکاب جرم تحت مراقبت‌های پروبیشن یا مشمول قضازدایی بودند، نشان داد که هدایت نوجوانان به برنامه‌های قضازدایانه در کاهش یا ثبات نرخ تکرار جرم یا عدم افزایش دستگیری بعدی مؤثر بود<sup>۵</sup>.

شاید بتوان از منظر جرم‌شناسی تعامل‌گرا و با استناد به برخی یافته‌های پژوهشی، تأثیر مداخله رسمی را بر بزهکاری مجدد بزهکاران کم‌خطر از جمله مجرمان وضعیتی به طور ملموس‌تر شناسایی کرد. مطابق یافته‌های پژوهش روان‌شناسان رشد، کافمن و اشتاین‌برگ در خصوص نوجوانانی (۱۳ تا ۱۷ ساله) که از زمان دستگیری به مدت ۵ سال و به منظور بررسی نتایج کوتاه‌مدت (یک‌ساله) و بلند مدت (۳ ساله) مربوط به مداخله رسمی، نمونه‌گیری شدند (Caufman, et al, 2021, pp.702, 705) ارتکاب خشونت مجدد، دستگیری، بازداشت و حبس آشکارا در مورد نوجوانان مشمول مداخله‌کیفری بیشتر بود. همچنین، در مقایسه با نوجوانان تحت رسیدگی غیررسمی، احتمال ارتباط بیشتر با همسالان بزهکار، ثبت‌نام کمتر در مدرسه، توانایی کمتر در مهار پرخاشگری برای آنان بیشتر بود اگرچه نوجوانان دارای سنین کمتر و رنگین‌پوست عموماً پیامدهای شدیدتری را متحمل شدند. (Caufman, et al, 2021, pp.709-710) بنابراین، قضازدایی نه تنها امنیت عمومی را ارتقا می‌بخشد، بلکه با ترویج سبک زندگی سالم برای نوجوانان، فرصت ترک بزهکاری را فراهم نموده و باعث مشارکت‌های مثبت اجتماعی توسط آنان می‌شود. (Caufman, et al, 2021, p.711)

فراتر از این، برخی پژوهش‌ها تأثیر مواجهه با مقامات رسمی را بر تکرار جرم مهم ارزیابی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش هیس و همکاران در خصوص نوجوانان کم‌خطر (غالباً مجرم وضعیتی) حکایت از نرخ تکرار جرم بیشتر توسط نوجوانان مشمول مداخله نهادهای رسمی (حتی در چارچوب قضازدایی) نسبت به نوجوانانی است که با یک تماس تلفنی غربالگری شدند در یک فرایند غیررسمی قرار گرفتند. مطابق این یافته‌ها، حتی گفتگوی کوتاه صمیمانه و همدلانه به جای دریافت نامه‌ای پستی از دادستان شهرستان بر نرخ پایین‌تر تکرار جرم مؤثر است؛ به این معنی که تعامل انسانی در افزایش ادراکات

---

<sup>۱</sup> . تحقیقات وزارت دادگستری آمریکا در سال ۲۰۲۴ پیرامون وضعیت کودکان در پنینج مرکز امن اداره دادگستری نوجوانان تگزاس، حاکی از نقض متمم ۸ و ۱۴ قانون اساسی و سایر قوانین ناظر به مسائل سلامت، آزار و اذیت، شرایط نامناسب فیزیکی و استفاده از ابزارهای غیرقانونی جهت کنترل نظم است که مهمترین دلیل آن تراکم جمعیت و کمبود امکانات و نیروهاست. (Federal Juvenile Justice Department, 2024)

مطابق یافته‌های جامع پژوهشی همین سال، حبس مجرمان وضعیت، هزینه‌برتر و کم‌فایده‌تر از پاسخ‌های غیررسمی، محل آموزش نوجوانان و منجر به امتناع از بازگشت به مدرسه، اختلال در درمان پزشکی و فعالیت‌های اجتماعی نظیر ورزش و دوستیابی شده‌است.

(National Center for Juvenile Justice, 2024, p.1)

<sup>۲</sup> Texas Juvenile Justice Department

<sup>۳</sup> [https://www.lbb.texas.gov/Documents/Publications/Policy\\_Report/4914\\_Recidivism\\_Revocation\\_Rates\\_Jan2019.pdf](https://www.lbb.texas.gov/Documents/Publications/Policy_Report/4914_Recidivism_Revocation_Rates_Jan2019.pdf).

<sup>۴</sup> (موسسه غیرانتفاعی کنشگر در حوزه عدالت نوجوانان) Pew

<sup>۵</sup> <https://csgjusticecenter.org/publications/closer-tohome/>

مثبت نوجوانان از متخصصان قضایی و نرخ‌های پایین‌تری از نقض مجدد قانون مؤثر است. (Hobbs, et al, 2013, pp. 90-91)

با لحاظ این یافته‌ها، رویکرد تقنینی و قضایی در ایران نیز نیازمند بررسی است لیکن از آنجا که برخی مصادیق جرایم وضعیتی ذیل عنوان جرایم حدی قرار می‌گیرد که از لحاظ مبنای جرم‌انگاری و قواعد حاکم بر رسیدگی و پاسخ، ظاهراً قابل تطبیق دقیق با معیار استاندارد جرم وضعیتی نیست، دلایل چندی پرداختن به این جرایم را نیز توجیه می‌کند. نخست. هدف و فلسفه ابتدایی جرم وضعیتی کمک به رشد اخلاقی کودک و نوجوان و حمایت از آنان در برابر رفتارهای آسیب‌زا بود که مطابق آموزه‌های مسیحی و قوانین برخی ایالت‌ها از جمله ماساچوست و مین برای بزرگسالان نیز جرم بود؛ رفتارهایی مانند خرید و فروش و مصرف مشروبات و روابط جنسی خارج از ازدواج و امثال آن. (Dubler, 2006, pp.568-573) در واقع، تصویب قانون فدرال ۱۹۱۲ گامی در جهت رسیدگی مجزا از بزرگسالان و پاسخ اصلاحی به تمام این آسیب‌ها بود. همچنان که دانش‌های بالینی از جمله روان‌شناسی نشان‌گر عدم تکامل استقلال فکری، لذت‌طلبی و توجه به اهداف کوتاه‌مدت در نوجوانان است که قضاوت اخلاقی و اختیار آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل، رفتارهای مستوجب حد با دارا بودن ماهیت لذت‌طلبانه و مقهور نمودن طبع غالباً لذت‌طلب نابالغ از یک سو و ماهیت خودآسیبی آن‌ها نیازمند بررسی است که به دلیل ماهیت متفاوت پاسخ‌های تقنینی و لزوم توجه به قانون حمایت ۹۹، رویکرد دو قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ نسبت به دو نوع تعزیری و حدی به صورت مجزا قابل بررسی است.

مطابق ق.م.ا ۱۳۹۲، مصادیقی از کزرفتاری مطلقاً و صرف‌نظر از سن، جرم است که عبارتند از: شرب مشروبات الکلی، داشتن و نگهداری (ولو به میزان مصرف) مواد مخدر و روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج که جز جرائم مواد مخدر، پس از انقلاب و مبتنی بر احکام فقهی جرم‌انگاری شده‌اند. متأثر از کنوانسیون حقوق کودک، غالباً عناوین تعزیری، با لحاظ سن مرتکب در ق.م.ا ۱۳۹۲ مشمول واکنش-های حمایتی و تأمینی هستند. به این صورت که سواى جرایم درجه ۱ تا ۵ (در این مورد مانند داشتن و نگهداری میزان مشخصی از مواد مخدر مصرفی نوجوان)، سایر موارد با ارتکاب توسط افراد ۹ تا ۱۵ سال به موجب ماده ۸۸ و تبصره‌های آن، جز در موارد خاصی، مستوجب پاسخ‌های تربیتی و حمایتی است. در خصوص دو عنوان رابطه جنسی و شرب مسکر که دارای ماهیت حدی هستند اگرچه قانون‌گذار به موجب تبصره ۲ ماده ۸۸ صرفاً نسبت به افراد زیر ۱۲ سال واکنش حمایتی صرف مقرر کرده است، در خصوص افراد ۱۲ تا ۱۵ سال به موجب همان تبصره ترکیبی از رویکرد تنبیهی و تربیتی در نظر گرفته است. اگرچه قانون‌گذار با لحاظ ماهیت این جرایم و محدودیت اختیار خود، نهایت تدبیر را در تعیین واکنش تأمینی به کار برده و تعیین نوع آن را به قاضی سپرده است، ممکن است به

<sup>۱</sup> به عنوان نمونه، قانون ملی ممنوعیت خرید، فروش و مصرف مشروبات الکلی مشهور به قانون ولستید (Volstid) به موجب اصلاحیه ۱۸ قانون اساسی در سال ۱۹۲۰ تصویب شد و به موجب ماده ۳ آن هر قانون فدرال یا ایالتی که پیش از آن مصرف مشروبات الکلی را مجاز اعلام کرده نسخ می‌گردد یا قانون مهاجرت ۱۹۰۷ که رابطه جنسی پیش از ازدواج را تحت عنوان fornication جرم‌انگاری نمود که این ممنوعیت‌ها غالباً متأثر از جنبش مذهبی (Temperance movement) ضد رفتارهای غیراخلاقی بود. چنین قوانین اخلاق‌محور در ایالت‌های این کشور تا دهه‌های پیش پر شمار بوده‌اند. (possolo, 2013, pp.566-570)

تشخیص قاضی ضمانت اجرای توبیخ کتبی بسیار خفیف بوده یا در مورد تکرار رفتار، واکنشی شدیدتر از توبیخ کتبی لازم باشد که به موجب بند «ث» این واکنش نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است.

مسأله چالش برانگیز این که به عقیده برخی، با توجه به مواد ۱۴۰، ۱۴۶ و ۱۴۷، تبصره مذکور اطلاق نداشته و منصرف از دختران است به ویژه که نظریه ۷/۹۳/۱۱ مورخ ۹۳/۱/۱۶ اداره حقوقی دادگستری مؤید آن است. (صبوری پور؛ موسوی، ۱۴۰۲، ص ۹۳؛ الهام؛ برهانی، ۱۴۰۲، ص ۲۸۹) از سوی دیگر، ارتکاب رفتارهای فوق که توسط نوجوان ۱۵ تا ۱۸ سال در وهله‌ی نخست خودآسیبی است، مستوجب واکنش ذیل ماده ۸۹ است که قانون‌گذار به درستی ماهیت آن‌ها را مجازات تلقی نموده است. ممکن است ماهیت تنبیهی پاسخی مانند «خدمات عمومی تردیدآمیز باشد در حالی که خدمت قابل تقویم به پول و مشتمل بر تحمل مسئولیت، پاسخ‌گویی و صرف هزینه روانی است که خود نشان‌دهنده وجه تنبیهی یا دست‌کم ترکیبی از تأدیب و تنبیه است. پرسش اینجاست که نگهداری توأم با مراقبت و ارائه خدمت وجه مشترک کانون اصلاح و تربیت و مؤسسات نگهداری است. بنابراین چه تفاوتی میان این دو گروه وجود دارد؟ نخست، در خصوص استفاده از نگهداری به عنوان سازوکار حمایتی، معمولاً به عنوان آخرین راه‌حل مدنظر است چنان‌که مقررات پیش‌گفته نیز ناظر به این امر است. همچنین، هم مسئولان و کارکنان این نهادها و هم فرد و جامعه با لحاظ وصف حمایتی این مؤسسات و وصف رفتار فرد، دارای قضاوت متفاوت از کانون اصلاح و تربیت نسبت به این مراکز هستند. نگهداری در کانون یا هر واکنش دیگر که به ضرورت در راستای پیشگیری از بزهکاری آتی باشد (صبوری پور؛ علوی، ۹۳، ص ۱۸۴) در مورد همه اقسام رفتارها نیز نباید قابل اعمال باشد. چنان‌که پیشتر بیان شد، مطابق اسناد بین‌المللی و الگوهای تفنیفی، سیاستی و رویه‌ای تطبیقی که متأثر از مطالعات مبتنی بر شواهداند، رویکرد مؤسسه‌محور محدود به موارد خاص و ضروری تلقی شده‌اند. در نهایت، وصف مجرمانه رفتار، خود قضاوت افراد دخیل و ناظران بیرونی را شکل می‌دهد. اصل وصف‌گذاری منصفانه به عنوان یکی از مبانی جرم‌انگاری، مقتضی تناسب میان قبح و سرزنش‌پذیری رفتار و عنوان و تعریف قانونی آن است (میرمحمدصادقی؛ لکی، ۱۳۹۸، ص ۲۵۷) که در مورد رفتارهای فوق مورد تردید است و در خصوص رویکرد تنبیهی تر (سوی استثنای عدم اثبات) موضوع ماده ۹۱ این امر واضح‌تر است.

نکته مهم این که قانون حمایت به موجب مواد ۳ و ۵ تدابیر حمایتی از جمله مداخلات روان‌شناختی-اجتماعی را برای کودک و نوجوان بزهکار (از جمله افراد موضوع بحث) با رعایت شرایط ماده ۳ یعنی در معرض بزه‌دیدگی یا آسیب (هر نوع) الزامی نموده است. زیرا مداخله کنندگان قبلی مانند خانواده، مدرسه و سایر نهادهای مدنی ذی‌سهم در جامعه‌پذیر کردن اطفال، در اقدام خود نسبت به آنها شکست خورده‌اند و آشکارا مداخله کیفری نوعی استیصال است. (کاریو و نجفی‌ابریادی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۲ و ۲۷۳) اما رابطه ماده ۳ با فصل ۱۰ قانون ۹۲ چیست؟ در وهله اول می‌توان گفت که قانون ۹۹ خاص و قانون ۹۲ عام است بنابراین قانون حمایت در موارد قابل اعمال (جرایم تعزیری) مخصص قانون ۹۲ است. اما باید توجه کرد که تا زمانی که اراده قانون‌گذار به نسخ نرسیده است باید بین قوانین جمع کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۳۴۳) به ویژه که موضوع دو قانون متفاوت است؛ در حالی که موضوع ق.م.ا ۹۲ جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری است موضوع قانون حمایت ۹۹ حمایت از بزه‌دیدگی کودک و نوجوان است. بنابراین، احکام راجع به موضوعات متفاوت حاکم است که مقتضی جمع است. (میرزایی، ۱۳۹۸، ص ۸۲) اما آیا جمع این پاسخ‌ها هدف اصلاح و درمان را تأمین می‌نماید؟ صرف نظر از این که جمع دو راهبرد متفاوت نسبت به نقض قانون توسط کودک و نوجوان چه میزان از نظر اخلاقی قابل توجیه است. به نظر می‌رسد اشاره به برخی تجربیات عملی نبراسکا و فلوریدای امریکا برای بهبود تأمین هدف اصلاح و درمان در این خصوص راهگشاست. این تجربیات

ابتدائاً حاصل پژوهش‌های مرکز تحقیقات عدالت نبراسکا، دانشگاه نبراسکا اواماها ناظر به نوجوانان مذکور است که به عنوان «نوجوانان دارای مسائل درهم‌تنیده»<sup>۱</sup> یا «مشمول دو نوع مداخله یا رسیدگی»<sup>۲</sup> تلقی می‌شوند؛ این نوجوانان هم در معرض خطر بوده و مشمول رسیدگی رفاه‌محور هستند و هم به دلیل بزهکاری مشمول رسیدگی کیفری‌اند؛ زیرا هر یک از این دو وضعیت ممکن است سبب ایجاد دیگری بوده یا بر یکدیگر مؤثر باشند. (Lacombe, 2020, P, 16)

بسیاری از چالش‌های کمک به این جمعیت ناشی از اهداف و فلسفه متفاوت و غالباً متضاد دو نظام (رسیدگی کیفری و مداخله رفاه‌محور) است؛ در حالی که نظام رفاه بر بهبود رفاه و ایمنی کودک و از منظر گسترده‌تر، کل خانواده متمرکز است، نظام دادرسی نوجوانان، اگرچه بیشتر با اولویت بازپروری، به عنوان شاخه‌ای از عدالت کیفری، بر حفاظت از جامعه، پاسخگویی مرتکبان و حمایت از قربانیان متمرکز است. (Vidal, 2019, pp, 18-21) به منظور حل این مسائل سه مدل مختلف ارائه شده است که عبارتند از: دادگاه اختصاصی<sup>۳</sup> متشکل از کنشگران حقوقی از جمله دادرس، دادستان، وکیل مدافع و غیره به منظور مدیریت تمام پرونده‌های درهم‌تنیده؛ رویکرد دیگر «یک خانواده/یک قاضی»<sup>۴</sup> است که بر رسیدگی به بزهکاری و مسائل رفاهی مرتبط با خانواده توسط یک دادرس تمرکز می‌کند؛ سومین مدل، هماهنگی پیش از دادگاه است<sup>۵</sup> که شامل یک گروه متعهد است که حتی قبل از ارجاع پرونده به دادگاه به نوجوان خدمت ارائه می‌کند. (Lacombe, 2020, Pp. 151-152) مؤثرترین مورد، سیستم یک قاضی-یک خانواده است که همکاری در تمام سطوح را فراهم می‌کند<sup>۶</sup> و به نوجوانان اجازه می‌دهد تا با کل وضعیت خود به طور یکجا مواجه شوند، به طوری که تمام مسائل زمینه‌ای قابل رسیدگی باشد و نوجوان بتواند احساس شنیده شدن و درک شدن کند. (Lacombe, 2020, P, 155)

با الهام از این تجربه‌ها می‌توان با ظرفیت‌های موجود در جرائم تعزیری، صرفاً رویکرد درمانی را فراهم آورد: بدین شرح که در خصوص ضمانت اجرای بندهای الف تا ت ماده ۸۸ عملاً ظرفیت اعمال ماده ۳ قانون حمایت فراهم است. در خصوص سایر موارد، قانون‌گذار این ظرفیت را طی ماده ۹۴ ناظر به دو نهاد تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات فراهم کرده است که دادگاه با اعمال ماده ۳ بهره‌مندی فرد را در مدت تعویق یا تعلیق از خدمات و مراقبت درمان‌محور فراهم نماید. البته وجود ماده ۱۱۵ ناظر به توبه در جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ که زائل‌کننده مجازات است در تأمین هدف درمانی مفید است به‌ویژه که دادرس با توجه به تصریح ماده ۳ و ظرفیت انعطاف‌پذیر نوجوان می‌تواند از این رهگذر کمک به اصلاح وی نماید کما اینکه طی دادنامه شماره ۱۴۰۳۵۰۹۲۰۰۰۱۰۱۰۵۲<sup>۷</sup> در خصوص جرم رانندگی بدون داشتن گواهینامه، دادرس ضمن توجه به شرایط نوجوان ۱۷ ساله و ظرفیت اصلاحی وی، پرهیز از سزاگرایی و توجه به پاسخ غیر کیفری را مبنای تصمیم خود دانسته است لیکن با وجود تصریح به این الزام که «اگر بتوان به جای فرایند کیفری که خود درجاتی از قدرت سزادهی، ارباب و تحقیرکننده و سرزنش‌آمیزی را به همراه دارد، از اقدام غیر کیفری برای پاسخ به رفتار غیر قانونی مرتکب استفاده نمود... تدابیر کیفری به تأخیر بیفتند» به هیچکدام از تدابیر موضوع ماده ۳ استناد ننموده یا اقدامی در این راستا

<sup>1</sup> Crossover youth

<sup>2</sup> Dual involvement/adjudicated youth

<sup>3</sup> An Specialised court

<sup>4</sup> One famile-one court

<sup>5</sup> Pre court cousolidated team

<sup>6</sup> [https://cjjr.georgetown.edu/wp-content/uploads/2015/03/MultiSystemYouth\\_March2012.pdf](https://cjjr.georgetown.edu/wp-content/uploads/2015/03/MultiSystemYouth_March2012.pdf).

<sup>7</sup> <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/38646>

انجام نشده است که به نظر می‌رسد این امر ناشی از عدم وجود سازوکاری برای هماهنگی بین نهادی، عدم وجود دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های قضایی و عدم شکل‌گیری رویه باشد.

در خصوص قابلیت اعمال این مواد نسبت به جرائم موضوع ماده ۹۱، صرف نظر از مباحث مربوط به استقلال رشد از عقل (رهامی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۴) یا جزئی از شرط عقل بودن آن (هادی تبار و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۶۹) و نوع نگارش پراکنده ماده که ثمره تکاپوی قانون‌گذار در پابندی به مقررات بین‌المللی در کنار رعایت ملاحظات فقهی مختلف از جمله دیدگاه شورای نگهبان است (قورچی بیگی؛ صادق پور، ۱۳۹۹، صص ۶۳-۶۴، هادی تبار و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۵۵) مسئله مهم حاکمیت اماره رشد یا عدم رشد است. زیرا قابلیت اعمال رویکرد درمانی موضوع قانون حمایت به عنوان رویکرد اصلی به نوع تفسیر حقوقی و قضایی این ماده وابسته است. اگرچه برخی بر این باورند که مقنن در ماده ۹۱ اماره عدم رشد را نسبت به افراد زیر ۱۸ سال حاکم دانسته و دادگاه موظف به تشخیص آن و در صورت شبهه، صدور حکم به غیررشد یا دست کم در حکم آن بودن است (قورچی بیگی؛ صادق پور، ۱۳۹۹، صص ۵۴ و ۵۵) به نظر می‌رسد دیدگاهی که قائل به پذیرش تلویحی اماره عدم رشد توسط قانون‌گذار از طریق وضع ماده ۹۱ و فراهم نمودن زمینه پذیرش (توسط رویه قضایی) است نزدیک‌تر به واقع است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۵، صص ۱۴۶-۱۴۷) به ویژه که مقنن با تمسک به شبهه در صدر ماده و تبصره آن، قضات را به توجه به شبهه رشد و عدم احراز آن رهنمون کرده است که مجزا از شبهه موضوع ماده ۱۲۰ است که هیچ لزومی به تکرار آن در این ماده نبوده است (منصورآبادی، ۱۴۰۳، ص ۲۱۳؛ احسانی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۹) مگر رهنمون نمودن دادرسان به اهمیت مسأله مردد بودن مفهوم رشد که ادر این صورت اگرچه ماده ۸۹ قابل اعمال است، ارفاق موضوع ماده ۹۴ به علت منحصر بودن به جرائم تعزیری موضوعیت ندارد. اما لزوم اعمال رویکرد درمانی موضوع مواد ۳ و ۵ قانون حمایت به جهت فرض در معرض آسیب یا بزه دیدگی واقع شدن نوجوان مقتضی این است که دادرس به یکی از دو راهکار ذیل متوسل شود. نخست. از ظرفیت ماده ۹۳ ق.م.ا ناظر به تبدیل پاسخ‌های سرکوب‌گرانه استفاده نماید؛ زیرا وضعیت افراد مذکور مقتضی ارفاق است و جهات تخفیف احراز شده فرض می‌شود. اما صرف نظر از این که شکل‌گیری رویه در تمام جرائم حدی ممکن است زمان‌بر باشد، در عمل نیز قضات کاملاً با پیروی از نظر کارشناسی پزشکی قانونی، شبهه را رفع شده تلقی می‌نمایند که به عقیده برخی، در این صورت، تبصره ماده ناظر به شبهه در رشد و کمال عقل یک فرض صرفاً نظری است که در عمل تحقق نمی‌یابد (قورچی بیگی؛ صادق پور، ۱۳۹۹، ص ۷۲) در حالی که همواره نظر کارشناسی در قالب جملات کلی مانند «...معاینه دلالت بر رشد عقلانی و داشتن قوه تمیز و تشخیص در زمان وقوع جرم دارد...»<sup>۱</sup> و بدون ارائه جزئیات ابراز می‌شود که خود ابهام‌زاست و همان‌طور که برخی نیز با تدقیق در نظرات مربوط بیان کرده‌اند چنین مفاهیم کیفی به سختی قابل آزمون و درک و دریافت دقیق هستند و فرض شمردن رشد در قوانین عرفی به خاطر همین عویصه است (قورچی بیگی؛ صادق پور، ۱۳۹۹، ص ۷۳)

راهکار دوم اینکه حتی با وجود خلاءهای فوق، وجود ظرفیت‌های ارفاقی دیگر از قبیل شبهه موضوع ماده ۱۲۰ و توبه موضوع ماده ۱۱۴ در راستای احتراز از سزاگرایی و توجه به اصلاح در ایجاد رویه‌ی درمان‌مدار می‌تواند مؤثر باشد. چنانکه به ترتیب محتویات دادنامه - های شماره ۱۴۰۴۰۵ دادگاه‌های کیفری استان فارس ۱۴۰۴۶۸۳۹۰۰۱۰۶۵۳۸۲۰<sup>۲</sup> ناظر به توبه موضوع ماده ۱۱۴ و ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۰۸۱۳<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> پرونده کلاسه ۹۵۰۴۰۵ دادگاه‌های کیفری استان فارس

<sup>۲</sup> <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/43404>

<sup>۳</sup> <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/8254>

9409982686200346 ناظر به اعمال شبهه و درآلود موضوع مواد ۱۲۰ و ۲۱۸ همگی درخصوص حد شرب خمر می‌تواند مؤثر باشد. بررسی رویه قضایی نیز نشان‌گر احتراز از انگ‌زنی و تمرکز بر مداخله روان‌شناختی اجتماعی است. در این راستا، اشاره به دادنامه‌ای با موضوع «فراهم آوردن موجبات فساد و فحشا»<sup>۲</sup> توسط دختر ۱۶ ساله‌ای که پس از تحقیق، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به لحاظ عجز از معرفی کفیل و چندین جلسه محاکمه و در نهایت تبرئه شدن از اتهام مذکور و رابطه نامشروع بی‌مناسبت نیست. نظر کارشناسان حاکی است که با نبود والدین، آشنایی و همزیستی با بالغان کژرو و عدم بهره‌مندی از امکانات آموزشی و پرورشی، امکان تصمیم‌گیری مناسب برای این فرد به لحاظ عدم خودمختاری عاطفی و ذهنی نبوده است. اگرچه حکم برائت متکی بر درایت، تجربه و دانش دادرس و مداخلات روان‌شناختی متنوع صادر و فرد مذکور به نهادهای حمایتی (بهبیستی) ارجاع شد، سواى هزینه‌های دستگاه عدالت، تحمل فضای تنبیهی مراجع مختلف عدالت کیفری و خودانگاره مجرم بودن چه میزان بر کیفیت بازپروری اثرگذار است؟ مطابق دیدگاه انحراف ثانویه، نوجوانان «برچسب‌خورده» تحت نخستین دستگیری و رسیدگی کیفری در جستجوی «افراد همدل» تمایل به گزینش همسالان منحرف به عنوان دوست دارند که بر بزهکاری آتی و برچسب ثانوی بی‌تأثیر نیست. بر اساس یافته‌های پژوهش کافمن (جرم‌شناس و روان‌شناس رشد) و همکاران، رسیدگی رسمی به نخستین تجربه ارتکاب جرائم خرد توسط نوجوان ممکن است آسیب‌زا و باعث کاهش احتمال یافتن دوستان همسال غیرمنحرف و افزایش گزینش همسالان منحرف شود. (Rowan, et al, 2023, p. 26) بنابراین، نظام عدالت باید دسترسی نوجوان به مداخلات و برنامه‌های جامعه‌محور را که ارتباط وی با همسالان اجتماعی شده را طی فعالیت‌های اجتماعی مانند آموزش، ورزش و غیره تسهیل می‌کند، تأمین نماید. (Rowan, et al, 2023, p. 28)

همچنین، در چنین مواردی پیش از اسکان نوجوان در نهاد پرازدحام بهبودی، شایسته است مطابق ماده ۳ قانون حمایت ابتدا مداخلات تشخیصی و مراقبتی جامع و تحت نظر دادگاه انجام شود. افزون بر آن، در ایران مراکز بازپروری زنان آسیب‌دیده جنسی موضوع دستورالعمل مربوط، به دلیل وصف مجرمانه این روابط و لزوم مداخله قضایی پیش از اقامت، در عمل امکان پذیرش داوطلبانه همه موارد را ندارند چه بسا دخترانی شبیه مورد پیش گفته به دلیل ترس از برچسب‌های کیفری مراجعه نمی‌نمایند. بنابراین، وضعیت نوجوانان موضوع مواد مربوط ق.م.ا مقتضی اعمال مواد ۳ و ۵ قانون حمایت به عنوان یک الزام قانونی است.

شاید آخرین اقدام قانون‌گزار تگزاس نیز در این راستا الهام‌بخش باشد؛ تا پیش از سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۵ به موجب بند الف ماده ۵۲۰۰۳۱ قانون خانواده، ذیل برنامه نخستین تجربه ارتکاب جرم<sup>۳</sup>، مأمور اجرای قانون که کودکی را بازداشت یا او را به جرائمی از جمله جرایم وضعیتی متهم می‌کند، می‌تواند، مشروط به نداشتن سابقه‌ی بزهکاری، او را تحت برنامه نخستین تجربه ارتکاب جرم به نهاد متولی مداخله در خصوص آموزش، مشاوره و درمان ارجاع نماید که در صورت عدم موفقیت مداخله، دادگاه اقدام به رسیدگی کیفری می‌کند. اکنون

<sup>1</sup> <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/29012>

<sup>۲</sup> دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۲۱۷۲۶۰۰۱۵۴ صادر از شعبه سوم دادگاه کودکان و نوجوان مجتمع شهید فهمیده تهران

<sup>3</sup> first offender program

بر اساس ماده ۳۱۸۶ اصلاحی ۲۰۲۴-۲۰۲۵ که به عنوان «قانون مداخله‌ی زودرس و قضازداییِ ناظر به نوجوانان تگزاس»<sup>۱</sup> شناخته می‌شود، این مداخله الزامی، ناظر به تمام جرائم وضعیتی و پیش از طرح پرونده در مرجع قضایی است.

همچنین، تا پیش از اصلاحات مذکور، صرفاً جرائم وضعیتی موضوع صلاحیت دادگاه مدنی نظام دادگستری نوجوانان، قبل از شروع رسیدگی قضایی مشمول میانجیگری و رسیدگی بود و دادگاه کیفری عمومی یا نوجوانان صرفاً پس از صدور حکم محکومیت یا در اثنای رسیدگی مجاز به اتخاذ تدابیر میانجیگری بودند. لیکن مطابق ماده اصلاحی ۳۱۸۶، دادگاه کیفری و نوجوانان نیز در صورت تشخیص مؤثر بودن این تدابیر، مجاز به اتخاذ آن‌ها در آغاز رسیدگی دادگاه است. با توجه به مدت کوتاه اجرای این قانون، تاکنون پژوهشی در خصوص اثربخشی این رویکرد منتشر نشده است هرچند مطابق یافته‌های پژوهشی، ایالت‌هایی که رسیدگی غیررسمی اعم از میانجیگری و سایر مداخلات را پیش از رسیدگی قضایی تجویز نموده‌اند در پیشگیری از تکرار جرم وضعیتی، انسجام خانواده و کاهش هزینه‌ها موفق‌تر بوده‌اند. (Dennis, 2017, p. 36; Griffin, 2005, p. 2-5)

البته قانون‌گذار ایرانی در لایحه «رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان» امکان ارجاع تمام جرائم ارتكابی (دارای شاکی خصوصی) افراد زیر ۱۸ سال میانجیگری را پیش‌بینی نموده بود<sup>۲</sup> که با واقعیت رفتارهای این گروه سازگار بود (نیازپور، ۱۴۰۳، ص ۱۲۴) لیکن ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ میانجیگری را به موجب ماده ۸۲ و آیین‌نامه مربوط سال ۹۵ محدود به جرائم درجه ۶، ۷ و ۸ نموده است و قانون شوراها حل اختلاف ۱۴۰۱ نیز راهکار جدیدی پیش‌بینی نکرده است. همچنین، گستره جرم‌انگاری وضعیت‌های نوجوانان در نظام‌های عدالتی مانند نمونه تگزاس به معنی انگاره مناسب بودن وضعیت نظام عدالت نوجوانان ایران در مقایسه با آن نیست. زیرا عواملی از جمله شهرنشینی گسترده، اقتصاد صنعتی و سیل گسترده مهاجران به کشورهای غربی از جمله ایالات متحده از اوایل سده ۱۹ مصلحان، سیاست‌مداران و قانون‌گذاران را به سمت پاسخ به وضعیت نوجوانان هدایت کرد که جرم‌انگاری و مجازات به نوعی با سنت اجتماعی و قضایی تنیده شده است<sup>۳</sup> و جرم‌زدایی به راحتی امکان‌پذیر نیست در حالی که در جامعه سنتی ایران تا دوران پهلوی دوم مسائل نوجوانان غالباً تحت مدیریت کنترل‌های غیررسمی بود و از زمان توجه به این وضعیت‌ها، شیوع رویکرد رفاهی در بیشتر نقاط دنیا قانون‌گذار را به این سمت متمایل نمود. از سوی دیگر، به دلیل تأثیر نظام عدالت کنونی از احکام فقهی و همچنین عدم اولویت کودکان و نوجوانان (عزیزی، ۱۴۰۰، ص ۳۷۸) مانع جرم‌زدایی و تمرکز بر رویکرد مداخله حمایتی از برخی خودآسیبی‌های کودکان و نوجوانان است. بنابراین باسته است ضمن

<sup>۱</sup> Texas Youth Diversion and Early Intervention Act

ظاهراً حوادث خشونت‌باری مانند کشتار ده‌ها نفر با اسلحه در مدرسه‌ی ابتدایی راب در شهر آتولید تگزاس که منجر به تمرکز عملی مقامات بر سلامت روان و چرخه‌ی رشد نوجوانان شد در کنار هزینه‌های ورود سالانه ۳۰ تا ۵۰ هزار پرونده وضعیتی به نظام کیفری باعث تسریع توجه قانون‌گذار به مداخله‌ی زودرس و غیررسمی شد.

<sup>۲</sup> «دادسرا یا دادگاه حسب مورد برای حل و فصل شکایت یا جبران خسارت ناشی از جرم یا سازش طرفین....موضوع را به شورای حل اختلاف محل، مددکاران اجتماعی و هر شخص صالح دیگر به عنوان میانجی ارجاع می‌نماید.»

<sup>۳</sup> جهت ملاحظه کامل این زمینه‌ها به آثار تاریخ‌دان حقوق، پروفیسور گرلوک، از جمله منبع مورد استناد در این پژوهش می‌توان مراجعه نمود.

توجه رویه قضایی به ظرفیت‌های قانون حمایت در خصوص مواد ۸۸ تا ۹۱، قانون‌گذار نیز به پیروی از نظرات فقهی و حقوقی که اماره عدم رشد را نسبت به تمام نوجوانان حاکم می‌دانند، آن را به عنوان یک فرض قانونی غیرقابل رد مورد تصریح قرار دهد.

#### نتیجه‌گیری

جرم‌زدایی از کژرفتاری (وضعیتی) کودک و نوجوان امروزه غالباً مبتنی بر رویکرد رفاه‌محور است که متضمن مداخلات فرد و اجتماع-محور درمان‌مدار است. هر چند نظام‌های عدالت رفاه‌محور، در مواردی با فرض مسئولیت والدین نسبت به کنترل و پرورش کودک و نوجوان، آنان را به کیفرهایی مانند جریمه نقدی محکوم می‌کنند، این امر فصل مشترک آنها با نظام‌های مبتنی بر کیفر است. از سوی دیگر، امروزه حتی نظام‌های مبتنی بر مداخله عدالت کیفری نیز به دلایلی مانند امنیت کودک و خانواده، کاهش هزینه‌های رسیدگی قضایی و مهم‌تر از همه پیشگیری از تکرار جرم (وضعیتی) تمایل بیشتری به اعمال تدابیر رفاه‌محور دارند.

در حقوق ایران اگرچه از دهه ۳۰ تا کنون مداخله حمایتی نسبت به مصادیقی از جرائم وضعیتی از قبیل مدرسه و منزل‌گریزی، مصرف مخدر و مشروبات و تکدی و ولگردی گسترش یافته‌است، هنوز برخی از مصادیق به عنوان جرم تلقی می‌گردد. اگرچه قانون حمایت ذیل عنوان «وضعیت مخاطره‌آمیز» انواع مداخلات را شامل نوجوانان بزهکار نیز نموده‌است، سواى رویکرد تنبیهی غالب، انگ بزهکاری اثر مداخله را نیز خنثی می‌کند در حالی که چنین رفتارهای خودآسیب‌زننده، در وهله نخست نیازمند مداخله حمایتی موضوع ماده ۳ قانون حمایت است. در نتیجه موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. بایسته است رویه قضایی نسبت به اعمال رویکرد درمانی موضوع ماده ۳ و ۵ قانون حمایت به عنوان رویکرد اصلی و با لحاظ ظرفیت‌های ارفاقی ق.م.ا. ۹۲ در خصوص مرتکبان وضعیتی موضوع مواد ۸۸ تا ۹۱ اصلاح گردیده و سازوکارهای هماهنگی بین نهادی و سازمانی که تا حد زیادی به موجب ماده ۶ این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن فراهم شده‌است، توسط دستگاه قضایی به موجب دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها فراهم گردد.

۲. با توجه به رویکرد غالب فقهی-حقوقی ناظر به حاکمیت اماره عدم رشد کیفری افراد زیر ۱۸ سال و انتقادات وارد به رویکرد مبهم قانون‌گذار در خصوص رشد کیفری که منتج به پراکندگی تفاسیر حقوقی-قضایی شده و زمینه اعمال یکسال عدالت را نسبت به تمام نوجوانان دشوار می‌نماید، بر قانون‌گذار لازم است که با اصلاحات قانونی به ویژه در راستای هماهنگی کامل با اسناد بین‌المللی، قدر متیقن سن رشد را صریحاً ۱۸ سال مفروض نماید. در این صورت، جرائم وضعیتی نوجوانان نیز در قالب ماده ۳ و ۵ قانون حمایت مشمول رویکرد درمانی یکنواخت قرار می‌گیرند. برای تضمین مداخله مؤثر می‌توان همانند آنچه در نمونه‌های خارجی بررسی شد، ضمانت اجرای نقض دستور یا حکم دادگاه یا مرجع صالح را نیز در نظر گرفت و در موارد لزوم والدین را مشمول ضمانت اجرای پلکانی دانست؛ چنان‌که در قانون آموزش اجباری و ماده ۵ قانون حمایت، هر چند قابل انتقاد، مسبقاً به سابقه است.

۳. در نهایت، در خصوص آن دسته از کژرفتاری‌هایی که به موجب قانون حمایت و مقررات سازمان بهزیستی وضعیت مخاطره‌آمیز تلقی شده‌اند، بهتر است کارنامه مداخلات حمایتی به منظور رفع نقایص ارزیابی شود. در عین حال، با بررسی علل موفقیت

تدابیر مذکور، امکان تعمیم آن را (فعلا) طی توسعه رویه‌های درمان‌مدار به مواردی که اکنون جرم هستند فراهم نمود که این امر نیازمند انجام طرح‌های پژوهشی ملی با حمایت مراجع قانونی و قضایی است.

## فهرست منابع

۱. الهام، غلام‌حسین؛ برهانی، محسن. (۱۴۰۲ش). *درآمدی بر حقوق جزای عمومی «جرم و مجرم»*. چاپ هشتم. تهران. بنیاد حقوقی میزان
۲. الطباطبائی، السیدعلی. (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل*. ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل. قم. چاپ نخست. مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث
۳. احسانی، امیرحسین؛ صالحی، محمدخلیل؛ قادی پاشا، مسعود. (۱۳۹۹). *تفاسیر دوگانه در شرط رشد و کمال عقل در حقوق کیفری*. حقوق اسلامی. ۱۷(۶۷): ۷-۳۰. [https://hoquq.iict.ac.ir/article\\_242817.html](https://hoquq.iict.ac.ir/article_242817.html)
۴. آل داوود، سید علی. (ش ۱۴۰۰). *نخستین کوشش‌های قانون‌گذاری*. چاپ نخست. تهران. بنیاد محمود افشار.
۵. خضری، فرشید. (۱۴۰۲). *ارزیابی عملکرد نظام مراقبت اجتماعی از دانش‌آموزان (نماد)*. (e19631) ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۱(31). <https://doi.org/10.22034/report.2024.16628.1636>
۶. خورسندنژاد، علی؛ چاوشیان، حسن؛ حیدری، آرش؛ عباداللهی چندانق، حمید. (۱۳۹۹). *کودکی، بزهکاری، حبس: روایتی از برآمدن دارالتادیب در عصر پهلوی*. فصلنامه علوم اجتماعی. ۲۷(۹۰): 195-230. doi:10.22054/qjss.2021.60356.2382
۷. رهامی، محسن. (۱۳۸۱). *رشد جزایی*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۵۸: ۱۶۷-۱۹۸
۸. سیفی، آناهیتا. (۱۳۹۹). *کودکان و خشونت خانگی با تأکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و اسناد بین‌المللی*. مطالعات جنسیت و خانواده. ۸(2): 149-189. 20.1001.1.25381938.1399.8.2.6.3
۹. صبوری پور، مهدی؛ علوی صدر، فاطمه. (۱۳۹۴). *سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲* پژوهشنامه حقوق کیفری. ۶(1): 171-194. [https://jol.guilan.ac.ir/article\\_1198.html](https://jol.guilan.ac.ir/article_1198.html)
۱۰. صبوری پور، مهدی؛ موسوی، سیدپوریا. (۱۴۰۲). *حقوق کیفری اطفال و نوجوانان*. چاپ نخست. تهران. بنیاد حقوقی میزان
۱۱. طاهری، سمانه. (۱۳۹۲). *سیاست کیفری سخت‌گیرانه*. چاپ نخست. تهران. بنیاد حقوقی میزان
۱۲. طه، فریده. (۱۳۹۰). *بررسی کنگره‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد (۱)؛ «کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری»*. چاپ نخست. تهران. بنیاد حقوقی میزان
۱۳. عاطفی فر حمیدرضا، آقاجانی مرسا حسین، محسنی تبریز، علیرضا. (۱۴۰۱). *الگوهای مداخلات پیشگیری از رفتارهای پرخطر در خانواده‌ها*. رفاه اجتماعی. ۲۲(۸۵): ۱۸۱-۲۲۰. <https://doi.org/10.4135/9781446280430.n12>
۱۴. عزیزی، علی. (۱۴۰۰). *دادگاه‌های حل مسئله در حقوق کیفری ایران*. چاپ نخست. تهران. بنیاد حقوقی میزان
۱۵. قورچی‌بیگی، مجید؛ صادق‌پور، محمدجعفر. (۱۳۹۹). *رشد کیفری به مثابه شرط مقتبس: در ضرورت گذار از رشد کیفری به مثابه شرط مستقل*. فصلنامه علمی ترویجی دین و قانون. ۲۲: ۴۳-۷۸. <https://www.magiran.com/p2479698>
۱۶. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰). *فلسفه حقوق*. جلد دوم. چاپ چهارم. تهران. شرکت سهامی انتشار
۱۷. کاری‌پور، رویر؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۱). *مداخله روان‌شناختی-اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه*. فصلنامه تحقیقات حقوقی. ۵(۳۶-۳۵): ۲۶۷-۳۰۴. [https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_56558.html](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56558.html)

۱۸. منصورآبادی، عباس. (۱۴۰۳). *حقوق جزای عمومی* ۲. چاپ چهارم. تهران. بنیاد حقوقی میزان
۱۹. میرزایی، اقبال‌علی. (۱۳۹۸). *اصول و فنون جمع و دفع تعارض قوانین*، دو فصلنامه تخصصی مطالعات فقه و اصول، ۲(۲). ۷۰-۹۳.
- <https://search.isc.ac/dl/search/defaultta.aspx?DTC=8&DC=1280268>
۲۰. مؤذن‌زادگان، حسنعلی. (۱۳۹۵). *مطالعه تطبیقی برابری بلوغ کیفری دختران و پسران*. علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین-المللی (مجموعه مقالات)، چاپ نخست. تهران. بنیاد حقوقی میزان.
۲۱. میرمحمد صادقی، حسین و لکی، زینب. (۱۳۹۸). *رویکردی نوین بر ارجاع کیفری در پرتو اصل وصف‌گذاری منصفانه*. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، 7(27)، 255-285. doi: 10.22054/jclr.2018.28685.1585
۲۲. نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۳). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، جلد ۴. چاپ چهارم. تهران. دارالکتب اسلامی.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۹-۹۰). *تقریرات درس سیاست جنایی «سیاست کیفری عوام‌گرا» در: «تقریرات علوم جنایی»*. (آخرین دسترسی، آذر ۱۴۰۴): [www.Lawtest.Ir](http://www.Lawtest.Ir)
۲۴. نجفی توانا، علی. (۱۳۹۸). *نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان*. چاپ نخست. تهران. بنیاد حقوقی میزان
۲۵. نیازپور، امیرحسن. (۱۴۰۳). *حقوق کیفری کودکان و نوجوانان «فرایند پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان»*. چاپ چهارم. تهران. بنیاد حقوقی میزان
۲۶. هادی تبار، اسماعیل؛ حیدری، سیدمسعود؛ پارسا، پژمان. (۱۴۰۱). *تئوری مسئولیت نقصان یافته در پرتو مفهوم رشد جزائی مقرر در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*. فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۸(۶۹). ۲۴۸-۲۷۶. <https://civilica.com/doc/1575923>
27. Alder, C. & Wundersitz, J. (1994). *New Directions in Juvenile Justice Reform in Australia*, in Alder, C. and Wundersitz, J. *Family Conferencing and Juvenile Justice: The Way Forward or Misplaced Optimism?* Canberra: Australian Institute of Criminology. <https://www.aic.gov.au/publications/lcj/lcj-3>
28. Bearrows, T. (1987). *An application: status offenders and the juvenile court*. In: Hartman. F: *From children to citizens*. V, 2. U.S.A. Newyork. Springer.
29. Beharry, Meera S. (2012). *Health Issues in the Homeless Youth Population*. *Pediatric Annals*.41 (4):154–6. DOI: [10.3928/00904481-20120307-12](https://doi.org/10.3928/00904481-20120307-12)
30. Benton, H., Bilchik, Sh., Heyd, J., Pinheiro, E., Shublik, T., Smith, M, Stone, M. & Trupin, C. (2010). *Representing juvenile status offenders*; edited by Sally S. Inada and Claire S. Chiamulera. American Bar Assosiation
31. Bishop, Donna M., Frazier, Charles E. (1992). *Gender Bias in Juvenile Justice Processing: Implications of the JJDP Act*. *Journal of Criminal Law & Criminology*. 82(4). 1162-1186. <https://scholarlycommons.law.northwestern.edu/jclc>
32. Bishop, D.M., Decker, S.H. (2006). *Punishment and Control: Juvenile Justice Reform in the USA*. In: Junger-Tas, J., Decker, and S.H. (Eds) *International Handbook of Juvenile Justice*. Springer, New York, NY. [https://doi.org/10.1007/978-0-387-09478-6\\_1](https://doi.org/10.1007/978-0-387-09478-6_1)
33. Cauffman, E., & Steinberg, L. (2000). *(Im) maturity of judgment in adolescence: Why adolescents may be less culpable than adults*. *Behavioral Sciences & the Law*. 18(6), 741–760. <https://doi.org/10.1002/bsl.416>.
34. Cauffman, E, Beardslee, J, Fine, A, Frick, Paul J., Steinberg, L. (2021). *Crossroads in juvenile justice: The impact of initial processing decision on youth 5 years after first arrest*. *Development and Psychopathology* (2021), 33, 700–713. <https://doi.org/10.1017/S095457942000200X>
35. Cavadino, M., & Dignan, J. (2012). *Comparative youth justice*. In: *Comparative youth justice*. 199-214. <https://doi.org/10.4135/9781446280430.n12>
36. Chesney-lind, Meda. (1963). *Judicial paternalism and the female status offender: training women to know their place*. *crime & Delinquency*. 8. 260-286

37. Dennis, A. (2017), *Decriminalizing Childhood*, FORDHAM URB. L.J. 45(1).  
[https://digitalcommons.law.uga.edu/fac\\_artchop/1184](https://digitalcommons.law.uga.edu/fac_artchop/1184)
38. Development Services Group, Inc. 2015. "Status Offenders." *Literature review*. Washington, D.C.: Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.  
[https://www.ojjdp.gov/mpg/litreviews/Status\\_Offenders.pdf](https://www.ojjdp.gov/mpg/litreviews/Status_Offenders.pdf)
39. Dubler AR. (2006). *Immoral Purposes: Marriage and the Genus of Illicit Sex*. The Yale law journal. 115. 756-812.
40. Ellis, T. & Kyo, A. (2018). *Youth Justice in England & Wales: Past, Present & Future*. Ryukoku Corrections and Rehabilitation Center Journal. 8. 64-92.  
[https://pure.port.ac.uk/ws/portalfiles/portal/13541340/Ryukoku\\_64\\_92.pdf](https://pure.port.ac.uk/ws/portalfiles/portal/13541340/Ryukoku_64_92.pdf)
41. Fountain, Erika N., Mahmoudi, D. (2021). *Mapping Juvenile Justice: Identifying Existing Structural Barriers to Accessing Probation Services*. APA journal. 1-24.  
<https://dx.doi.org/10.1002/ajcp.12474>
42. Garlock, P D. (1979) *Wayward Children and the Law, 1820-1900: The Genesis of the Status Offense Jurisdiction of the Juvenile Court*. Georgia Law Review. 13(2). 341-447.  
[https://engagedscholarship.csuohio.edu/fac\\_articles/291/](https://engagedscholarship.csuohio.edu/fac_articles/291/)
43. Greenwood, P. W. (2008). *Prevention and intervention programs for juvenile offenders*. The Future of Children, 18(2), 185–210. DOI: 10.1353/foc.0.0018
44. Griffin, P. (2005). "Juvenile Court-Controlled Reentry: Three Practice Models". *Technical Assistance to the Juvenile Court: Special Project Bulletin*. Pittsburgh, PA: National Center for Juvenile Justice. Ncjj.org
45. Hazel, Neal. (2008). *Cross-national comparison of youth justice*. Youth justice Board. 1-77.  
<https://salford-repository.worktribe.com/output/1372343/cross-national-comparison-of-youth-justice>, U.S. Department of Justice Civil Rights Division U.S. (2024).
46. Hobbs, A M.; Wulf-Ludden T, Strawhun J. (2013). *Assessing Youth Early in the Juvenile Justice System*. Academic Publications. 1. 80-96. <https://digitalcommons.unomaha.edu/jjiacademicpubs/1>
47. Hollingsworth. K. (2007), *Responsibility and Rights: Children and Their Parents in the Youth Justice System*, International Journal of Law, Policy and the Family. 21 (2). 190–219, <https://doi.org/10.1093/lawfam/ebm004>
48. Hollowey, ED, Irgens M Mcphee J, Tolou-Shams M. (2024). *Youth Recidivism: Youth self-Report matters*. Front. Psychol. 14:1208317. 1-13. doi: 10.3389/fpsyg.2023.1208317
49. Humphrey, Alecia. (2004). *The Criminalization of Survival Attempts: Locking up Female Runaways and Other Status Offenders*. UC Law SF Journal on Gender and Justice.15 (2). 165-184.  
<https://repository.uclawsf.edu/hwlj>
50. Investigation of the Texas Juvenile Justice Department Attorney's Offices for the Districts of Texas.  
<https://www.justice.gov/crt/media/1362531/dl?inline>  
DOI: 10.1177/15412040211061270
51. Kelley, Barbara T., Rolf Lober, Kate Keenan, and Mary DeLaMarte. (1997). *Developmental Pathways in Boys' Disruptive and Delinquent Behavior*. Bulletin. Washington, D.C. U.S.  
[https://ojjdp.ojp.gov/model-programs-guide/literature-reviews/status\\_offenders.pdf](https://ojjdp.ojp.gov/model-programs-guide/literature-reviews/status_offenders.pdf)
52. Kendall, J. (2007) (a). *Juvenile Status Offenses: Treatment and Early Intervention*; Edited by Catherine Hawke. American Bar Association.
53. Kendall, Jessica R. (2007) (b). *Families in Need of Critical Assistance: Legislation and Policy Aiding Youth Who Engage in Noncriminal Misbehavior*. Chicago, Ill.: American Bar Association. Center on Children and the Law.
54. Kuborn, S.; Kellison, C.; Sobba, K., N; & Robins, D. (2020). *Strengthening the Missouri Model of Juvenile Justice: Missouri Division of Youth Services Staff Perspectives*. Missouri Policy Journal. 1(10) 3.DOI: <https://doi.org/10.62608/2330-930X.1002>
55. Lacombe, Brittany D. (2020). *Louisiana's Next Step in Juvenile Justice Reform: Implementing the Crossover Youth Practice Model*. 1-27: <https://ssrn.com/abstract=3821258>

56. Lundman, R.J. (2001). *Prevention and Control of Juvenile Delinquency*. New York: Oxford
57. Magee, G. (2024). *Addressing the Loophole for Juvenile Status Offenses*. *Eximia*. 13(1). 367–370. <https://doi.org/10.47577/eximia.v13i1.463>
58. Mears, D.P., Pickett, J.T. & Mancini, C. (2015). *Support for Balanced Juvenile Justice: Assessing Views about Youth, Rehabilitation, and Punishment*. *J Quant Criminol*. 31. 459–479. <https://doi.org/10.1007/s10940-014-9234-5>
59. Mendel, R. A. (2011). *No Place for Kids: The Case for Reducing Juvenile Incarceration; the Missouri Model*. Annie E. Casey Foundation. <https://www.ojp.gov/ncjrs/virtual-library/abstracts/no-place-kids-case-reducing-juvenile-incarceration>
60. Muncie, J. (2001). *Policy Transfers and ‘What Works’: Some Reflections on Comparative Youth Justice*. *Youth Justice*. 1(3). 27-35. <https://doi.org/10.1177/147322540100100304>
61. Muncie, J. (2005). *The globalization of crime control – the case of youth and juvenile justice: Neoliberalism, policy convergence and international conventions*. *Theoretical Criminology*. 9(1). 35–64. <https://doi.org/10.1177/1362480605048942>
62. Nelson, R. J., & Vincent, G. M. (2018). *Matching services to criminogenic needs following comprehensive risk assessment implementation in juvenile probation*. *Criminal Justice and Behavior*, 45(8), 1136–1153. <https://doi.org/10.1177/0093854818780923>
63. Petkus, Amber A., Sullivan, Christopher J., Lugo, Melissa, Newsome, Jamie. (2022). *The Impact of Risk Assessment on Juvenile Justice Decision-Making and New Adjudication: An Analysis of Usage and Outcome*. *Youth Violence and Juvenile Justice*. 20(2) 139–163
64. Pitts, John. (2015). *Changing Youth Justice*. *Youth Justice*. 3 (1). 5-20. [bopenworld.com](http://bopenworld.com)
65. Possolo M. (2013). *Notes moral legalization after Lawrence: can states criminalize the sale of sexual devises?* *Stanford Law Review*. 65. 565-598.
66. Reynolds AJ, Temple JA, Robertson DL, Mann EA. (2001). *Long-term Effects of an Early Childhood Intervention on Educational Achievement and Juvenile Arrest: A 15-Year Follow-up of Low-Income Children in Public Schools*. *JAMA*. 285(18). 2339–2346. <https://doi:10.1001/jama.285.18.2339>
67. Rown, Zachary R., Fine, Adam, Steinberg, Laurence, Frick, Paul J., Cauffman, Elizabeth. (2023). *Labeling effects of initial juvenile justice system processing decision on youth interpersonal ties*. *Criminology*. 61(4). 731-757. <https://doi.org/10.1111/1745-9125.12348>
68. Scott, E.S., & Grisso, T. (1997). *Developmental Incompetence, Due Process, and Juvenile Justice Policy*. *North Carolina Law Review*. 83(4). 793–948. <https://scholarship.law.unc.edu/nclr/vol83/iss4/2>
69. Shelton, Donald E. (2007). *An Evaluation of the Status Offense Diversion Program in the Juvenile Court of Washtenaw County*. SSRN. Michigan. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1163229>
70. Smith, R., & Gray, P. (2018). *The changing shape of youth justice: Models of practice*. *Criminology & Criminal Justice*, 19(5), 554-571. <https://doi.org/10.1177/1748895818781199>
71. Smithson, Hannah, Jones, Anna. (2021). *Co-creating youth justice practice with young people: Tackling power dynamics and enabling transformative action*. *Children & Society*. 35:348–362 DOI: 10.1111/chso.12441
72. Snyder, H. & Sickmund, M. (1995). *Juvenile Offenders and Victims: A National Report*. <https://www.ojp.gov/ncjrs/virtual-library/abstracts/juvenile-offenders-and-victims-national-report>
73. Sanford J. Fox. (1970). *Juvenile Justice Reform: An Historical Perspective*. *Stanford Law Review*. 22(6). 1187-1239. <http://www.jstor.org/stable/1227960>
74. Steinberg, L. (2009). *Adolescent Development and Juvenile Justice*. *Annual Review of Clinical Psychology*. 5. 459–485. <https://doi.org/10.1146/annurev.clinpsy.032408.153603>
75. Szymanski, Linda A. (2006). *Probation as a Disposition for Status Offenders*, NOOJJ snapshot, 11(1). <https://www.ncjfcj.org/publications/probation-as-a-disposition-for-status-offenders/>

76. Tew, J., Morris, K., White, S. W., Featherstone, B., & Fenton, S.-J. (2015). *what has happened to 'Think Family': challenges and achievements in implementing family inclusive practice*. 59–64. Pavilion. <http://eprints.hud.ac.uk/id/eprint/26918/>
77. Thomas, N, Henneke, E. (2024). *Reimagining Reform: Findings and Recommendations to Improve the Youth Justice System in Texas*. Lone Star Justice. [www.lonestarjusticealliance.org](http://www.lonestarjusticealliance.org).
78. Vidal, S. (2019). *Multisystem-Involved Youth: A Developmental Framework and Implications for Research, Policy, and Practice*. ADOLESCENT RES REV. 4, 15–29. <http://www.aecf.org>
79. Washington, Durrell M., Toraiif, N, Guz, Samantha. (2025). *Families in Society*. The Journal of Contemporary Social Services.106 (2) 556–569. <https://doi.org/10.1177/104438942513320>
80. Wilson, M.M., Sheppard, K.G. (2025). *Understanding the Status of Juvenile Institutional Misconduct Research: A Systematic Review of Quantitative Research on Delinquency Behind Bars*. Am J Crim Just. <https://doi.org/10.1007/s12103-025-09869-w>

سایتها:

<https://edition.cnn.com/2025/08/19/politics/dc-youth-crime-laws/>; (Accessed November 2025)

<https://everytownresearch.org/report/how-to-stop-shootings-and-gun-violence-in-schools/>(Accessed November 2025)

<https://news.sky.com/story/how-the-politicians-of-your-youth-affect-your-fears-about-crime-11465475> (Accessed December 2025)

<https://www.texastribune.org/2024/08/01/texas-juvenile-justice-facilities-doj/> (Accessed September 2025)

[https://cjjr.georgetown.edu/wp-content/uploads/2015/03/MultiSystemYouth\\_March2012.pdf](https://cjjr.georgetown.edu/wp-content/uploads/2015/03/MultiSystemYouth_March2012.pdf).(Assessed 2024)

<https://www.texastribune.org/2024/08/01/texas-juvenile-justice-facilities-doj/> (Accessed, 2024)

[https://www.justice.gov/d9/2024-07/2024\\_tjjd\\_findings\\_report.pdf](https://www.justice.gov/d9/2024-07/2024_tjjd_findings_report.pdf) (Accessed 2024)

<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/38646> (Accessed 2024)